

۱۷ سندیکای بریتانیا نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کردند

از سوی ۱۷ سندیکای عمده بریتانیا، از جمله اتحادیه کارکنان بخش دولتی (UNISON)، اتحادیه کارکنان حمل و نقل (TGWU) و اتحادیه تولید، علوم و مؤسسات مالی (MSF)، بیانیه صریحی در محکومیت ادامه نقض حقوق بشر در ایران صادر کردند. این بیانیه، نخستین گامی است که جنبش سندیکای بریتانیا در اجرای سیاستی برمی دارد که توسط اتحادیه کل سندیکاها (TUC) سپتامبر ۱۹۹۴ مورد توافق قرار گرفت و هدف آن، جلب توجه افکار عمومی بریتانیا به نقض حقوق بشر در ایران است. بیانیه مزبور که عنوان آن در دفاع از حقوق بشر و حقوق دمکراتیک در ایران است، به

ادامه در صفحه ۱۱

مجلس در بررسی برنامه دوم تصویب کرد: سوخت، آب، برق و تلفن گران می شود

با تصویب برنامه دوم موج تازه ای از گرانی دامنگیر جامعه خواهد شد

رای مجلس به گرانی نشان داد که مبارزه با گرانی از سوی حکومت، یک عوامفریبی است

مبارزه با گرانی به راه افتاده است، تا چه حد بی پایه است. عامل اصلی گرانی و فقر هولناکی که دامنگیر بیش از ۸۰ درصد جامعه شده، نه آن گونه که دولت مایل است وانمود کند، تنها مشتی بازاری و محتکر و دلال سودجو، که در اصل سیاست و برنامه های خود دولت است.

دولت که با بحران و تنگنای شدید مالی برای تامین هزینه های خود روبروست، هم چنان سیاست شوک درمانی و انتقال بار بحران به دوش توده های مردم از طریق حذف سوبسیدها و بالا بردن بهای کالاها و خدمات دولتی را دنبال می کند. تمام هم و غم دولت در ماه های اخیر این بوده است که چگونه این سیاست را عملی کند بی آن که این اقدامات به عصبان و انفجار اجتماعی بیانجامد. هیاهوی "مبارزه با گرانی" در واقع شگردی است که دولت و حکومت برای گمراه کردن مردم و مهار التهاب ناشی از فشارهای خرده کننده معیشتی در پیش گرفته است.

گزارش ما را در این باره در صفحه ۵ بخوانید.

مجلس شورای اسلامی از دو هفته پیش کار بررسی و تصویب جزئیات برنامه ۵ ساله دوم دولت جمهوری اسلامی را آغاز کرد. کلیات این برنامه حدود ۳ ماه پیش - مرداد ماه از تصویب مجلس گذشته بود. بنا به مصوبات مجلس دولت اجازه یافت نرخ خدمات پستی، نفت و گاز و پتروشیمی را در طول برنامه افزایش دهد. بهای برخی از این خدمات و کالاها تا چندین برابر افزایش خواهد یافت. افزایش قیمت ها در شرایطی که جامعه در تب ناشی از گرانی ها می سوزد، برای بسیاری از محافل وابسته به حکومت نیز غیر منتظره بود. روزنامه سلام در آغاز بررسی برنامه دوم در مجلس پیش بینی کرده بود که با توجه به جو موجود در جامعه "تبعصره جنجال برانگیز در مورد گرانی سوخت و آب و برق و تلفن به تصویب نرسد.

در جریان تصویب برنامه، بحث های شدیدی در مجلس در گرفت، برخی از نمایندگان گران شدن خدمات دولتی را آغاز دور جدیدی از گرانی در جامعه ارزیابی می کردند و نسبت به خطرات ناشی از آن هشدار می دادند. و این نشانه آن است که در مجلس گروهی از نمایندگان از عواقب اجتماعی گرانی ها به شدت نگرانند. اما اکثریت مجلس که وابسته به جناح بازار و رسالت است برنامه دولت را با تعدیل های اندکی مورد پشتیبانی قرار داد.

آن بخش هایی از برنامه ۵ ساله دوم که تا کنون به تصویب مجلس رسیده است، نشان می دهد که مجلس شورای اسلامی پرغم رست های مردم دارانه اش، در انتقال بار بحران مالی و اقتصادی دولت به دوش توده های مردم، با دولت هم صداست. مصوبات مجلس این واقعیت را به روشنی آشکار می سازد که جنجالی که در هفته های اخیر در

مجلس شورای اسلامی از دو هفته پیش کار بررسی و تصویب جزئیات برنامه ۵ ساله دوم دولت جمهوری اسلامی را آغاز کرد. کلیات این برنامه حدود ۳ ماه پیش - مرداد ماه از تصویب مجلس گذشته بود. بنا به مصوبات مجلس دولت اجازه یافت نرخ خدمات پستی، نفت و گاز و پتروشیمی را در طول برنامه افزایش دهد. بهای برخی از این خدمات و کالاها تا چندین برابر افزایش خواهد یافت. افزایش قیمت ها در شرایطی که جامعه در تب ناشی از گرانی ها می سوزد، برای بسیاری از محافل وابسته به حکومت نیز غیر منتظره بود. روزنامه سلام در آغاز بررسی برنامه دوم در مجلس پیش بینی کرده بود که با توجه به جو موجود در جامعه "تبعصره جنجال برانگیز در مورد گرانی سوخت و آب و برق و تلفن به تصویب نرسد.

در جریان تصویب برنامه، بحث های شدیدی در مجلس در گرفت، برخی از نمایندگان گران شدن خدمات دولتی را آغاز دور جدیدی از گرانی در جامعه ارزیابی می کردند و نسبت به خطرات ناشی از آن هشدار می دادند. و این نشانه آن است که در مجلس گروهی از نمایندگان از عواقب اجتماعی گرانی ها به شدت نگرانند. اما اکثریت مجلس که وابسته به جناح بازار و رسالت است برنامه دولت را با تعدیل های اندکی مورد پشتیبانی قرار داد.

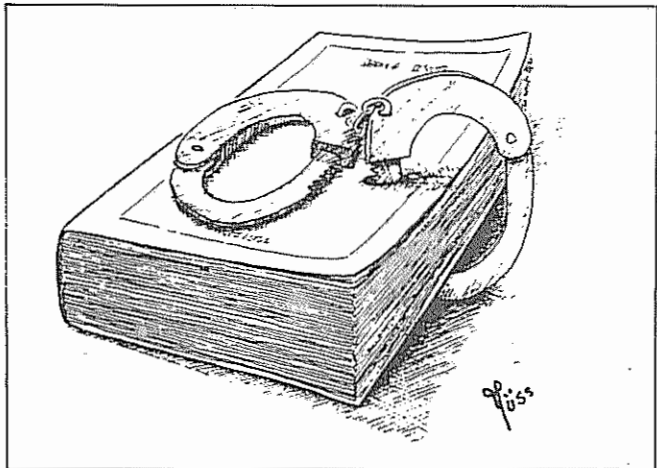
انجمن جهانی قلم از نویسندگان ایران حمایت کرد

جنتی: حزب الله ساکت نمی نشیند

روزنامه جمهوری اسلامی: سر نوشت سعیدی سیرجانی یاد تان نرود

این بیانیه در کنگره جهانی "انجمن قلم" بوده است. این انجمن، انجمنی است غیر دولتی که در سال ۱۹۲۱ بنیان گذارده شد. کنگره اخیر این انجمن شصت و یکمین کنگره آن بود که در پراگ با ریاست آرتور میلر نویسنده سرشناس آمریکایی و سخنان واسلا و هاول نماینده نامی نوشته شده است. تازه ترین بازتاب

هم چنان که در شماره گذشته خبرهای نشریه "کار" خواندید، بیانیه ۱۳۴ تن از نویسندگان ایرانی که به نام "مانویسنده ایم" شناخته شده است، بازتاب جهانی و داخلی گسترده ای یافته است. این بیانیه در بسیاری از نشریات معتبر خارجی به چاپ رسیده و با تفسیرهای بی بر آن نوشته شده است. تازه ترین بازتاب



دو دانشجو در کاشان به قتل رسیدند

این دو دانشجو از فعالین اعتراضات اخیر دانشجویی بودند

دو تن از دانشجویان دانشگاه کاشان به نام های نظربهار لولو و مجید کریمی به طرز فجیعی به قتل رسیدند. جسد این دو دانشجو صبح روز دوشنبه ۱۶ آبان ماه توسط دانشجویان دیگر، در خوابگاه این دانشگاه کشف شد. گلوی مجید کریمی - دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه علوم کاشان - با شیشه پرنده بریده شده بود و نظربهار لولو - دانشجوی رشته شیمی همین دانشگاه - با ضربات متعدد در قفسه قتل رسید.

روزنامه سلام که این خبر را منتشر کرد نوشت این دو دانشجو پس از یک نزاع شدید با هم درگیر شده اند، نظربهار لولو با تیغ موکت بری دوست خود را به قتل رسانده و سپس خود اقدام به خودکشی کرده است. اما همین که خبر این جنایت در سایر روزنامه های رژیم بازتابی نیافت خود نشانگر این است که انگیزه این جنایت غیر از آن بوده است که این روزنامه نوشته است. به گفته دانشجویان کاشان، دو دانشجو فوق از فعالین اعتراضات دانشجویی ای بوده اند که در ماه جاری در اکثر دانشگاه های ایران علیه دریافت شهریه از دانشجویان بر پا شد. بسیاری از دانشجویان می گویند، دو دانشجو فوق قربانی انتقام جویی رژیم شده اند و هدف از این جنایت، ایجاد رعب و وحشت در میان دانشجویان و جلوگیری از اعتراضات بیشتر از سوی آن ها بوده است.

ادامه دادگاه متهمان به ترور کتر شاپور بختیار و شورش کتیه همه سرنخ ها به تهران بر می گردد

وکلای مدافع سرحدی وکلای مدافع رژیم جمهوری اسلامی هستند



خواننده کتر بختیار در دادگاه

در پنجمین جلسه دادگاه محاکمه متهمین به قتل بختیار در پاریس دوباره معمای انعکاس خیر قتل کتر بختیار در شیراز طرح شد. یکی از شاهدان اظهار داشت که خبر ترور کتر شاپور بختیار و دستیارش شورش کتیه روز ۷ اوت یک روز پیش از آن که پلیس فرانسه اجساد آنان را کشف کند، در شیراز بازتاب یافته است. وی گفت در شیراز در یک آرایشگاه زنانه یکی از مشتریان به صاحب آرایشگاه که از آشنا یان د کتر بختیار و نهضت مقاومت ملی ایران بوده، اطلاع داده که رادیو

ادامه دادگاه متهمان به ترور کتر شاپور بختیار و شورش کتیه

وکلای مدافع سرحدی وکلای مدافع رژیم جمهوری اسلامی هستند

در پنجمین جلسه دادگاه محاکمه متهمین به قتل بختیار در پاریس دوباره معمای انعکاس خیر قتل کتر بختیار در شیراز طرح شد. یکی از شاهدان اظهار داشت که خبر ترور کتر شاپور بختیار و دستیارش شورش کتیه روز ۷ اوت یک روز پیش از آن که پلیس فرانسه اجساد آنان را کشف کند، در شیراز بازتاب یافته است. وی گفت در شیراز در یک آرایشگاه زنانه یکی از مشتریان به صاحب آرایشگاه که از آشنا یان د کتر بختیار و نهضت مقاومت ملی ایران بوده، اطلاع داده که رادیو

در هفته گذشته جمهوری اسلامی در دو حمله جداگانه، پایگاه های مجاهدین خلق و حزب دموکرات کردستان ایران در خاک عراق را مورد حمله قرار داد. در نخستین حمله در بمبادا روز یکشنبه ۱۵ آبان پایگاه اشرف مجاهدین خلق در ۸۰ کیلومتری داخل خاک عراق با ۴ موشک اسکاد مورد حمله قرار گرفت. بنا به ادعای رژیم در جریان این حمله تلفات و خسارات سنگینی به مجاهدین وارد آمده است. مجاهدین ادعای رژیم را رد کرده اند و گفته اند این حمله تلفاتی به همراه نداشته است. صبح

خواست نویسندگان خواست همه مردم است

نویسنده در چگونگی خلق اثر، نقد و تحلیل آثار دیگران، و بیان معتقدات خویش باید آزاد باشد، هدف اصلی ما از میان برداشتن موانع راه آزادی اندیشه و بیان و نشر است.

بیان این احکام که از دید هر انسان معاصر چون روشنی روز می نماید، در حکومتی تمامیت گرا، استبدادی و فقهاتی، حکومتی که در آستانه قرن ۲۱ براندیشه و موازین و احکام سال صفر هجری تکیه زده است، از گناهان کبیره به شمار می رود. "مقابله با موانع اندیشیدن" و دفاع از حقوق انسانی و مدنی نویسنده "در نظمی که بر انکار شئون انسانی متکی است، کفر مطلق و ضدیت با بنیان چنین نظامی تلقی می شود.

جمهوری اسلامی از بیانیه ۱۳۴ نویسنده ایرانی و بازتاب گسترده آن در داخل کشور و در سطح جهان سخت بر آشفته است. از مقامات بالا رتبه رژیم گرفته تا همه روزنامه های حکومتی سخت به نویسندگان و بیانیه آنان تاخته اند و آنان را تهدید کرده اند. تهدید نویسندگان ظاهرا از موضع قدرت انجام می شود و ارگان های امنیتی و اطلاعاتی رژیم نیز بیکار ننشسته اند و به عملی کردن این تهدیدها مشغولند. گفته می شود نویسندگان را به دادستانی احضار کرده اند، به برخی دیگر از آنان مراجعه کرده و مورد توهین و تهدیدشان قرار داده اند و بسیاری را از هر طریق که توانسته اند برای پس گرفتن امضایشان از زیر بیانیه زیر فشار قرار داده اند. با توجه به سابقه سیاه این حکومت، هیچ انسان شریفی نیست که نسبت به عواقب این تهدیدها و اقدامات دچار نگرانی نشود.

اما در پس این تهدیدها به بگیر و ببند، واقعیت روشن دیگری هم وجود دارد. شاید اگر نویسندگان و روشنفکران ایرانی در چند سال قبل اقدام به انتشار چنین بیانیه ای می کردند، رژیم اصلا لازم نمی دید چنین کارزار گسترده ای از تهمت و ناسزا و تهدید علیه آنان به راه اندازد و حتی تریبون نماز جمعه تهران را به وسیله تهمت و فحاشی علیه آنان تبدیل نماید. دستگیری و شکنجه و اعمال فشار برای توبه، به منظور در هم شکستن هر صدای مخالف و ترساندن دیگران، روشی است که جمهوری اسلامی به آن بیش از هر روش دیگری علاقه نشان داده و وفادار بوده است. مگر با امضاء کنندگان نامه ۹۰ نفره در سال ۶۹ جز این کردند و به خواسته های به حق آنان جز زندان و شکنجه پاسخ دیگری دادند؟ این حکومت همان حکومتی است که با نویسندگان آن نامه همانند همه مخالفین دیگر با زبان زندان و شکنجه سخن گفت، اما در این میان یک چیز تغییر کرده است. شرایط بحرانی جامعه، حدت نارضایتی ها و بروز روی دومی اعتراضات و بین بست همه جانبه ای که رژیم

ادامه در صفحه ۳

دولت آلمان یک پناهجوی ایرانی را پس فرستاد

این پناهجو در فرودگاه مهرآباد دستگیر شد

حمله رژیم به پایگاه های مجاهدین و حزب دموکرات کردستان در عراق

روز بعد از حمله، مجاهدین خبرنگاران غربی را به بازدید از پایگاه دعوت کردند. خبرگزاری آسوشیتد پرس در گزارش خود خاطر نشان کرد که یکی از موشک ها به سالتی اصابت کرده است که معمولاً محل تجمع افراد مستقر در پایگاه بوده است.

دولت آلمان در روز ۱۹ آبان (۱۰ نوامبر) یک پناهجوی ایرانی را از این کشور اخراج کرد و او را به ایران پس فرستاد.

این پناهجو در فرودگاه مهرآباد تهران دستگیر شد و بنا به اطلاعاتی که وکیل آلمانی اش از ایران دریافت کرده است، هنوز در دادستانی انقلاب تهران در دسترس است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

اراکی در بستن مرگ

آیت الله اراکی روحانی کهنسالی که پس از مرگ خمینی از سوی محافل حکومتی بعنوان "مرجع تقلید" معرفی شده است، در حال احتضار است. اراکی بعلمت تب شدید و ضعف مغز در حدود یک ماه و نیم پیش در بیمارستان بستری شد. حال او اخیراً پراثر سکنه‌ی مغزی دیگری روبه وخامت بیشتر نهاده است و احتمال اینکه او اینبار بتواند از بیماری جان سالم بدر برد، بعید می‌نماید.

مرگ قریب الوقوع اراکی روحانیان حاکم بر ایران را به تکاپو واداشته است. آنها که در سال‌های پس از مرگ خمینی و بی‌ویژه پس از مرگ گلپایگانی کوشیدند از اعتبار معین آیت الله اراکی در محافل روحانی به رغم سن بالا (تخمیناً بین ۱۰۶ تا ۱۰۹ سال) و زوال عقل مغز (دمانس) ناشی از کهولت و همچنین سکنه‌های مغزی متعدد که او را به مرده‌ای متحرک مبدل کرده است، بهره برداری کنند، امروز دوران پس از مرگ وی را تدارک می‌بینند.

چه پس از مرگ خمینی و چه بعد از مرگ گلپایگانی، هیچ‌یک از روحانیان شناخته شده جرئت نکردند سید علی خامنه‌ای یک شبه رهبر و آیت الله شده را به عنوان مرجع معرفی کنند. از سوی دیگر روحانیان سرشناسی چون منتظری نیز به احترام اراکی از دادن رساله و اقداماتی در جهت تثبیت خود به عنوان مرجع خودداری کردند.

اما اکنون در محافل روحانیان ایران در دریا شنه‌ی دیگری می‌چرخد. آنها در این مقطع می‌کوشند که خامنه‌ای را به عنوان مرجع تقلید مطرح کنند. گفته می‌شود که سردمداران حکومت جمهوری اسلامی با استفاده از مهر و امضای اراکی و وصیت نامه‌ی او برایش تدارک دیده‌اند که در آن وی از پیروان خود می‌خواهد که همواره مدافع انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن باشند و از مقام رهبری بی‌چون و چرا اطاعت کنند و او مرجعیت و رهبری جهان تشیع را به آیت الله خامنه‌ای واگذار می‌کند.

در این راستا، اما از جانبی دیگر شهری رئیس سابق ساواک جمهوری اسلامی با در نظر گرفتن اوضاع عمومی رژیم و وضعیت مزاجی اراکی از همه‌ی مراجع صلاحیت دار خواسته است که دور هم جمع شوند و یک نفر "واجب شرايط" را به عنوان "مرجع تقلید" معرفی نمایند.

به این ترتیب تلاش دو جانبه‌ای از بالا و پایین برای چسباندن عنوان مرجعیت تقلید به خامنه‌ای وارد مراحل تازه‌ای می‌گردد؛ اما با اینکه رژیم ممکن است بتواند با استفاده از آرا عاب مردم و روحانیان مخالف به اهداف خود در این زمینه برسد، ولی موفق به کسب مشروعیت برای آنچه می‌کند نخواهد شد. "وصیت" اراکی بی‌شمار است چرا که همه می‌دانند که آیت الله اراکی با اینکه شاگرد آیت الله بروجردی و استاد خمینی محسوب می‌شود، از مدت‌ها پیش بعلمت سن زیاد به نسیان مبتلاست و گفته‌ها و نوشته‌های او اعتباری ندارد.

تلاش از پایین یعنی جمع شدن روحانیان پشتیبان رژیم که عمدتاً عضو مجامعی چون مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت، شورای نگهبان و جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند و انتخاب کسی به عنوان "مرجع تقلید" نیز بدعتی است که در تاریخ روحانیت شیعه سابقه نداشته است و دستگاه روحانیت شیعه برخلاف مسیحیان که در آنها کار دینال‌ها پاپ را انتخاب می‌کنند و روحانیت سنی که در آن امر انتخاب تا حدی رعایت می‌شود، قائل به انتخاب بالاترین مقام مذهبی از میان خود نیست و این امر باید به مرور بسته به میزان دانش فقهی مجتهدان و تعداد مقلدان و شهریه بگیران آنان حاصل شود. در این مورد مشخص اگر قرار باشد که خامنه‌ای را بعنوان مرجع تقلید معرفی کنند مشکلات مضاعف است چرا که در میان "پایینی"‌ها بسیاری از نظرها شیعه شرايط مرجعیت را بارها بیشتر از خامنه‌ای دارا می‌باشند و چه بسا که کسانی چون آذری قمی بسادگی به "اعلمیت" خامنه‌ای تن ندهند.

تنش‌هایی که قاعدتاً در چنین شرایطی در میان روحانیان حکومتی بوجود خواهد آمد بی‌شک در مقام مقایسه با مقاومتی که در میان قاطبه‌ی روحانیان خارج از ادیره‌ی حاکمان پدید می‌آید، اندک خواهد بود. روحانیان حوزه‌ی علمیه‌ی قم و اصفهان چندی پیش در جواب به مشکینی، حکومت را از تلاش برای علم کردن خامنه‌ای به عنوان مرجع تقلید بر حذر داشتند. روحانیان شیعه خارج از ایران افرادی چون آیت الله روحانی و سیستانی را مرجع اعلم می‌دانند. امری که نگرانی کسانی چون جنتی امام جمعه‌ی قم را موجب شده است و باعث گردید که او در نماز جمعه‌ی هفته‌ی گذشته اظهار کند که "دست‌هایی در نظر دارند که مرجعیت تقلید را از ایران خارج کنند. وی در سخنانش جدا کردن دین از سیاست و شرکت در انقلاب بهمن را از جمله شرايط احراز مرجعیت دانست. اغلب صد و ده هزار روحانی شیعه‌ی داخل ایران و پیروان ایشان نیز مؤید اقدامات روحانیان حاکم نیستند.

با این همه رژیم تا کنون توانسته است در راستای هدف خویش در شرایط سرکوب و بسته بودن دهان مخالفان به موفقیت‌هایی دست یابد. آینده‌ی نزدیک نشان خواهد داد که در جدال میان بدعت گذاران و سنت گرایان در دستگاه روحانیت کدام طرف پیروز خواهد شد.

حمله به مراکز مخالفان در خاک عراق را محکوم می‌کنیم

در چند روز گذشته جمهوری اسلامی دو بار مراکز مخالفان رژیم در داخل خاک عراق را با استفاده از موشک و هواپیما مورد حمله قرار داد. نخستین حمله به یکی از پایگاه‌های سازمان مجاهدین خلق صورت گرفت و در آن برای نخستین بار از موشک دوربرد اسکاد استفاده شد. دومین بار یکی از مقرهای حزب دموکرات کردستان ایران مورد حمله چهار هواپیما قرار گرفت که یک کشته و چندین تن زخمی بر جای نهاد. این حملات که با نقض حریم هوایی عراق صورت گرفته، به تشنج میان دو کشور افزوده است.

این حملات ادامه سیاست سرکوب و ترور رژیم اسلامی علیه مخالفان خویش است. جمهوری اسلامی ناتوان از مهار امواج گسترده اعتراضات مردم علیه ویرانگری اقتصادی و سرکوب سیاسی، چاره خود را در دست زدن به این حملات و ماجراجویی خطرناک به زیان مصالح مردم و کشور می‌یابد.

ما حمله به مراکز حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین خلق را قویاً محکوم کرده و حکومت جمهوری اسلامی را مسئول عواقب این حملات در تخریب بیشتر مناسبات دو کشور ایران و عراق و تشنج در منطقه می‌شناسیم.

ما با بازماندگان قربانیان این حملات ابراز همدردی می‌کنیم.

۱۹ آبان ۱۳۷۳ - ۱۰ نوامبر ۱۹۹۴
حزب دموکراتیک مردم ایران
جمهوری خواهان ملی ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دولت جمهوری اسلامی مسئول هرگونه اقدام خشونت بار علیه نویسندگان ایرانی است

اعلامیه مشترک حزب دموکراتیک مردم ایران، نهضت مقاومت ملی ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و جمهوری خواهان ملی ایران

بیانیه ۱۳۴ تن از نویسندگان ایرانی در دفاع از آزادی بیان، در جهان بازتاب گسترده‌ای یافته و با استقبال محافل دانشجویی و دانشگاهی در ایران مواجه گردیده است. جمهوری اسلامی که مواجهه مستقیم دولت را با نویسندگان ایرانی - دستکم تا کنون - به مصلحت خود ندیده، از طریق آیت الله جنتی و روزنامه‌های وابسته، بویژه "جمهوری اسلامی" و "کیهان"، زبان به ناسزا و تهدید به "خشم حزب الله" گشوده است.

"حزب الله" تنها نام دیگری برای مراکز گوناگون قدرت در جمهوری اسلامی است که وقتی نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند بنام دولت عمل کنند به خشم و خشونت افرادی ظاهر می‌شود و نام و نشان رومی آورند.

ما دولت جمهوری اسلامی را پیشاپیش مسئول هرگونه اقدام خشونت بار علیه نویسندگان ایرانی می‌دانیم و آنان را از هر عمل غیر قانونی و منافعی با مقاد اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقابل با امضاء کنندگان بیانیه بر حذر می‌داریم.

ما وظیفه خود می‌دانیم با بسیج افکار بین المللی و استمداد از مجامع ادبی و حقوق بشری جهت اعمال فشار بر جمهوری اسلامی، از عواقبی که اینگونه تهدیدها می‌تواند بدنبال داشته باشد پیشگیری کنیم.

۲۳ آبان ۱۳۷۳ - ۱۴ نوامبر ۱۹۹۴

حمله رژیم به پایگاه‌های ...

ادامه از صفحه ۱

واقع در استان ایلام را منهدم سازند. همزمان با این روزنامه‌های رژیم خبر درگیری مرزبانان حکومت با یک واحد از اعضای مجاهدین را منتشر کردند. به نوشته این روزنامه‌ها در جریان این درگیری یک تن از افراد مجاهدین کشته شدند و بقیه آنان دستگیر شدند. مجاهدین این ادعای رژیم، که آنان در صدد تخریب تأسیسات نفتی موسسان بوده اند را نیز رد کردند.

۳ روز پس از حمله موشکی به پایگاه مجاهدین، هواپیماهای حکومت اسلامی به حمله تازه‌ای علیه خاک عراق اقدام کردند و یکی از قرارگاه‌های دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران واقع در حوالی شهر کوی سنجاچ در کردستان عراق را بمباران کردند. حزب دموکرات کردستان ایران در اطلاعیه‌ای که به این مناسبت انتشار داد اعلام کرد در جریان این حمله هوایی ۳ تن از پیشمرگان حزب زخمی شدند و یک زن کرد عراقی نیز جان خود را از دست داد. به گفته مقامات حکومت، بمباران هوایی مذکور اقدامی پیشگیرانه برای تضمین امنیت در نواحی مرزی غربی کشور بوده و جنبه ضد عراقی نداشته است. شهر کوی سنجاچ در ۶۰ کیلومتری عمق خاک کردستان عراق قرار دارد و جزو منطقه‌ای است که از سوی آمریکا و متحدانش در جنگ دوم خلیج فارس، منطقه پرواز ممنوع اعلام شده است. حکومت جمهوری اسلامی حملات خود به خاک عراق را به

اطلاع "شورای امنیت سازمان ملل متحد" رساند و مدعی شد که این حملات بر اساس بند ۵۱ منشور سازمان ملل متحد و اصل دفاع از خود صورت گرفته است. علیرغم این، بطور غالی دبیر کل سازمان ملل متحد نسبت به عراق اقدامات جمهوری اسلامی ابراز نگرانی کرد و دولت عراق نیز تهدید کرد که دست به اقداماتی تلافی جویانه خواهد زد.

حملات جنایتکارانه جمهوری اسلامی به نیروهای اپوزیسیون در خاک عراق تنها ادامه سیاست ترور و سرکوب مخالفین که از سوی این رژیم در هر نقطه‌ای از دنیای پی گرفته می‌شود نیست و جنبه خطرناک دیگری هم دارد که تشدید تشنج با یک کشور همسایه است. اکنون هر چند عراق بیشتر از آن گرفتار است که بتواند حتی به اقدامات تلافی جویانه دست بزند، اما نیروهای دیگری هستند که از ادامه تشنج و تشدید آن سود برند.

ما عملیات سرکوب گرانه و تروریستی جمهوری اسلامی علیه حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین خلق و تخریب بیشتر مناسبات با عراق را شدیداً محکوم می‌کنیم. قابل ذکر است که در همین رابطه شورای مرکزی سازمان نیز اطلاعیه‌ای منتشر کرد و عملیات رژیم علیه حزب دموکرات کردستان و مجاهدین خلق را محکوم نمود. متن این اطلاعیه در همین شماره کار درج شده است.

انجمن جهانی قلم ...

ادامه از صفحه ۱

نویس سرشناس و رئیس جمهوری چک آغاز شد. به گزارش بخش فارسی رادیوی بین المللی فرانسه، آرتور میلرد در سخنرانی خود نامه اعتراضی نویسندگان ایرانی را خواند و پشتیبانی خود را از خواستهای بحق آنان اعلام کرد.

پشتیبانی گسترده جهانی از نویسندگان ایرانی و حمایت روشنفکران و مردم ایران از نامه نویسندگان، سران حکومت اسلامی را به وحشت افکند و موجب واکنش‌های تهدید آمیز آنان گردید. آیت الله جنتی از تریبون نماز جمعه تهران نوشت که نامه فوق را امضاء کرده‌اند، مورد حمله شدید قرار داد. وی گفت: "عده‌ای که به عنوان نویسنده اخبار نامه‌ای نوشته‌اند و مدعی شده‌اند که در کشور آزادی ندارند و این مسأله خوراکی خوبی برای رادیوهای بی بی سی و رژیم صهیونیستی شده است. جنتی ضمن وارد کردن پیشروانه‌ترین اتهامات به معتبرترین جمع نویسندگان کشور، از جمله گفت: "این‌ها چه چیزی را می‌خواهند بگویند که در این کشور نمی‌توانند بنویسند؟ یکی از کارهایی که شما مایل به انجام آن هستید، ترجمه کتاب‌های سکسی و در اختیار قرار دادن جوانان دبستان‌ها و دبیرستان‌ها است. جنتی آن‌گاه به تهدید آشکار نویسندگان پرداخت و افزود: "حالا هم یک عده‌ای مشغول نشر فساد هستند و من به این‌ها می‌گویم قدری ملاحظه مردم را بکنید و اگر این‌ها به کار خود ادامه دهند، مردم حزب الله احساس مسئولیت خواهند کرد. سخنان تهدید آمیز عضو شورای نگهبان رژیم، روزنامه‌های وابسته به حکومت را تشویق کرد تا با گستاخی بیشتری به نویسندگان بتازند و به نوبت خود آنان را با جماعت حزب الله تهدید کنند. همه روزنامه‌های وابسته به رژیم با چاپ مقالات متعدد به محکوم کردن بیانیه نویسندگان پرداختند، اما در میان این روزنامه‌ها "کیهان" و جمهوری اسلامی کینه توزانه تر از دیگران بر امضاء کنندگان بیانیه تاختند. روزنامه جمهوری اسلامی نویسندگان را تهدید کرد که سرنوشته سعیدی سیرجانی در انتظار

آنان است. این روزنامه در مقاله‌ای با عنوان "پرونده‌های ما را رو نکنید! ... از جمله نوشت: "آدم دلش به حال این‌ها نمی‌سوزد، ولی شاید لازم باشد به آن عده‌ای که سیاهی لشکر این‌ها شده‌اند و خودشان هم نمی‌دانند دارند آب به آسیاب چه دم بریده‌ها می‌ریزند، گفته شود که شما‌ها لا اقل حسابتان را جدا کنید و اجازه ندهید اسم شما کنار اسم یک مشت معلوم الحال از توده نفتی‌های سابق گرفته تا زن‌های بد کاره ردیف شود." این روزنامه در پایان مقاله خود نوشت: "بچه‌های انقلاب در این مدت بیکار نبوده‌اند. داشتند پرونده‌ها را ورق می‌زدند تا اگر این تسامح فرهنگی یک عده‌ای را به بد مستی کشاند، بتوانند با ذهن آماده‌تری مج‌گیری کنند. سعیدی سیرجانی، عبرت خوبی است، البته برای کسانی که حافظه خودشان را از دست نداده باشند."

جمهوری اسلامی نویسندگان را به سرنوشته او تهدید می‌کند، نویسنده‌ای است که به اتهامات واهی توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی دستگیر شده است و او را زیر فشار مجبور کرده‌اند با قلم وزارت اطلاعات هر آن‌چه را که سران رژیم می‌خواهند بنویسند. هم زمان با انتشار بیانیه نویسندگان، رژیم بار دیگر سعیدی سیرجانی را مجبور کرد تا در روزنامه‌های دولتی دروغ‌هایی را به هم بیافد که خود ذره‌ای به آن‌ها اعتقاد ندارد.

از جمله زیر فشارها و تهدیدات آشکار رژیم اسلامی، چند تن از نویسندگان که بیانیه فوق را امضاء کرده بودند، امضاءهای خود را پس گرفتند و رژیم با تبلیغات بسیار کوشید از این موضوع در جهت نفی و رد آن چه نویسندگان کشور خواهان آن شده‌اند بهره بگیرد. اما چه چیز روشن تر از سخنانی که جنتی در نماز جمعه بر زبان راند و روزنامه جمهوری اسلامی نوشت، می‌تواند نشان دهد که در ایران آزادی وجود ندارد و هر مخالفی با جماعت حزب الله سرکوب می‌شود؟ نویسندگان ایران چیزی جز این نگفته‌اند.

نامه هنگامه امینی به انشای وزارت اطلاعات؟

به هنگامه امینی، دختر خانم مرضیه، ۲۸ آبان ماه (۱۹ نوامبر) نامه‌ای به نام وی به دفتر نشریه "کار فاکس" شده است که در آن وی خبر دستگیری خود را تکذیب و آن‌چه را او در این نامه "هیا هوی مجاهدین" در باره دستگیری وی نمی‌نامد، محکوم می‌کند. این نامه دست نویس است و از تهران برای مطبوعات فارسی زبان فاکس شده است. در این نامه آمده است: "پس از رفتن مادرم، از طرف دادسرای تهران به جهت دستیابی به تعدادی ظروف عتیقه که احتمال داده می‌شد خانم مرضیه با خود برده و یا من از آن‌ها مطلع هستم، احضار شدم. در این نامه در مورد پیوستن مرضیه به مجاهدین چنین نوشته شده است: "سازمان مجاهدین مدتی بود مادر ساده دل مرا (خانم مرضیه) تحت

تأثیر جو سازی خود قرار داده و او را به عراق برده تا از این شیوه کسب محیوبیتی بنماید، ولی تا حد زیادی به آبروی هنری مادرم لطمه وارد ساختند بطوریکه تمام دوستان قدیم این حرکت مادرم را محکوم ساختند."

در پایان این نامه شماره تلفن منزل خانم امینی برای تماس با وی ذکر گردیده است. خانم امینی در

دانشجویان ۳۰ درصد هزینه تحصیلی را

نخواهند پرداخت

هراس از اعتراضات دانشجویان باردیگر رژیم را عقب نشانند

مجلس شورای اسلامی در جلسه ۲۳ آبانماه خود تبصره ۷۷ لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی مبنی بر دریافت ۳۰ درصد هزینه تحصیلی از دانشجویان به منظور تحصیل بهتر در مدت کوتاه تر وارد کرد. پیشنهاد حذف این تبصره از سوی گروهی از نمایندگان داده شده بود. پیش از بررسی این تبصره، برخی از نمایندگان مجلس و وزیر آموزش عالی، هاشمی گلپایگانی، مخالفت خود را با تبصره مذکور اعلام داشته بودند.

حذف تبصره ۷۷ برنامه دوم، دومین عقب نشینی بزرگ رژیم در برابر دانشجویان است. پیش از این نمایندگان مجلس در اقدامی شتاب آلود، تبصره پیشنهادی دولت در مورد اخذ هزینه تحصیلی از دانشجویان در دروسی که مردودی شوند را لغو کرده بود. تنها چند روز پیش از لغو این تبصره، مجلس به آن رای داده بود، اما همزمان با تظاهرات بزرگ دانشجویان در روز ۸ آبان - که بزرگترین تظاهرات دانشجویی در سال های اخیر بود - رژیم به دستور خامنه ای عقب نشست.

شدت هراس رژیم از وضعیت دانشگاه ها را از این می توان فهمید که مجلس شورا به گرانی سوخت، آب، برق و تلفن رای داد اما از تصویب تبصره مربوط به اخذ بخشی از هزینه تحصیل از دانشجویان خودداری کرد.

هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه هدف حرکات اعتراضی دانشجویان را تضعیف نظام خوانده بود و آن ها را به محافلی از حکومت که با سیاست های دولت مخالفت، نسبت داده بود. سخنان تهدید آمیز رفسنجانی بلافاصله با عکس العمل انجمن های اسلامی دانشگاه ها روبرو شد. انجمن های اسلامی در تظاهرات اخیر دانشجویی، از جمله تظاهرات ۸ آبان، عموماً نقش دعوت کننده به تظاهرات را عهده دار بودند. اما در تظاهرات بزرگ روز ۸ آبان، دانشجویان بی اعتنا به این انجمن ها که می خواستند آن ها را در چهار چوب شعارهای خود نگاه دارند، به خیابان آمدند و با شعار اتحاد - مبارزه - پیروزی جنبه ضد استبدادی کم نظیری به اعتراض خود دادند.

دولت آلمان یک پناهجوی ...

ادامه از صفحه ۱

بازداشت به سر می برد. تقاضای پناهندگی این فرد از سوی دولت آلمان رد شده است. چندی پیش سفیر جمهوری اسلامی در آلمان طی نامه محرمانه ای به مقامات آلمانی، ضمن ادعای وجود آزادیهای سیاسی و اجتماعی در ایران، از آنان خواسته بود از پذیرش تقاضای پناهندگان ایرانی خودداری کنند.

خانم هلگا ترویل عضو حزب سبزهای آلمان و وزیر فرهنگ و امور اتباع خارجی دولت محلی برمن آلمان ضمن تایید خبر دستگیری این پناه جوی ۲۸ ساله ایرانی، اخراج وی از آلمان را مورد انتقاد قرار داد و خواستار پایان دادن به این گونه اقدامات شد. وزیر کشور برمن - ایالتی که تقاضای پناهندگی پناه جوی ایرانی را رد کرده اعلام داشت که اخراج ایرانیان تا روشن شدن وضع پناه جوی دستگیر شده به حال تعلیق در خواهد آمد.

روزنامه آلمانی فرانکفورتر روند با زداشت به سر می برد. تقاضای پناهندگی این فرد از سوی دولت آلمان رد شده است. چندی پیش سفیر جمهوری اسلامی در آلمان طی نامه محرمانه ای به مقامات آلمانی، ضمن ادعای وجود آزادیهای سیاسی و اجتماعی در ایران، از آنان خواسته بود از پذیرش تقاضای پناهندگان ایرانی خودداری کنند.

خانم هلگا ترویل عضو حزب سبزهای آلمان و وزیر فرهنگ و امور اتباع خارجی دولت محلی برمن آلمان ضمن تایید خبر دستگیری این پناه جوی ۲۸ ساله ایرانی، اخراج وی از آلمان را مورد انتقاد قرار داد و خواستار پایان دادن به این گونه اقدامات شد. وزیر کشور برمن - ایالتی که تقاضای پناهندگی پناه جوی ایرانی را رد کرده اعلام داشت که اخراج ایرانیان تا روشن شدن وضع پناه جوی دستگیر شده به حال تعلیق در خواهد آمد.

روزنامه آلمانی فرانکفورتر روند

خواست نویسنده گان ...

ادامه از صفحه ۱

در آن گرفتار آمده است، ماشین سرکوب خشونت آمیز مخالفان را تضعیف کرده است. اگر رژیم خود را مجبور می بیند تا در چنین سطحی گسترده به جنجال و عوام فریبی روی آورد و حتی تریبون نماز جمعه را به عرصه مقابل با جمعی نویسنده و روشنفکر که خواستی جز آزادی بیان ندارند، تبدیل کند ناشی از آن است که دیگر نمی تواند بی سروصدا بگیرد و ببیند و هر صدایی را در گلو خفه کند. رژیم خوب می داند که خواست برقراری آزادی ها تنها خواست این ۱۳۴ نویسنده نیست، خواست میلیون ها ایرانی است که از استبداد و سرکوب به تنگ آمده اند و دیگر حاضر نیستند پذیرای خاموشی و اعدام سرکوب گرانه مستبدین باشند. دستانی که چماق حزب الله را بلند کرده اند، اگر هنوز تیز بتوانند دهان های بسیاری را خون آلود کنند، اما بیش از آن لرزان و ناتوان شده اند که بتوانند هر فریاد آزادی خواهی را خفه کنند.

بازتاب گسترده بیانیه نویسنده گان در کشور، محبوبیت آنان در میان بخش های وسیعی از مردم و هم چنین حمایت وسیع جهانی از آنان - که خود نشانه همین واقعیت است - رژیم را در اعمال فشارهای بیشتر علیه نویسنده گان یا دشواری های بزرگی مواجه کرده است. هر چه این حمایت ها گسترده تر شود، دست رژیم در سرکوب ندای آزادی خواهانه نویسنده گان ایرانی بیشتر بسته می شود. حمایت از بیانیه نویسنده گان ایرانی و خواسته های آنان وظیفه ای همگانی است. حرکت شجاعانه و همبسته نویسنده گان کشور و مبارزه آنان برای مقابله با موانع نوشتن و اندیشیدن باید وسیعاً در داخل و خارج از کشور مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد.

همه سر نخ ها به تهران بر می گردد

ادامه از صفحه ۱

ببینی سی آژ لندن خبر ترور بختیار را بخش کرده است.

مطابق تحقیقات و گزارش قاضی پروگیر مسئول تحقیق پرونده ترورد کتربختیار، قتل عصر روز ششم اوت ۱۹۹۱ اتفاق افتاده و پلیس با دو روز تأخیر به واقعه پی برده و اجساد را کشف کرده است. رسانه های مطبوعاتی پس از کشف اجساد و گزارش پلیس خبر را به سراسر جهان مخایره کرده اند. در این فاصله تنها وکیل راد، محمد آزادی، فریدون بویراحمدی و مرکز عملیات ترورد اروپا و ایران می دانسته اند که در منزل بختیار در پاریس چه اتفاق افتاده است. اما چون کشف اجساد بر حسب اتفاق بر خلاف انتظار طراحان ترور به تعویق افتاده بود، آنان می خواستند برای رفع تردید از طرق غیر مستقیم مطمئن شوند. گزارش ها حاکی از آنند که ۱۲ تروریست اعزامی جمهوری اسلامی در عملیات ترور شرکت داشته اند. از میان ۱۲ تروریست جمهوری اسلامی تنها ۳ تن دستگیر شده اند.

نحوه ارتکاب قتل

روز ششم اوت علی وکیل راد و محمد آزادی ساختمان هتل را که فریدون بویراحمدی برای اقامت آنان در منطقه ۱۵ پاریس اجاره کرده بود، ترک می کنند. اجاره اقامت پنج روزه آنان را بویراحمدی با کارت بانکی خود به حساب هتل می پردازد. آنان حدود ساعت ۵ بعد از ظهر سوار بر اتومبیل "ب. ام. و" قرمز رنگ بویراحمدی وارد ویلا بختیار می شوند. پلیس های محافظ ویلا از طریق گویو بختیار می دانستند که دکتر بختیار با این سه تن قرار ملاقات دارد. مقابل درب ورودی بویراحمدی، وکیل راد و محمد آزادی کارت اقامت و پاسپورت های خود را که همواره ویزای فرانسه بود، به پلیس می دهند و پس از بازرسی وارد ساختمان می شوند.

در جلسه چهارم دادگاه پلیس هایی که محافظ بختیار بودند و اکنون به عنوان شاهد در دادگاه حضور دارند، اظهار کردند که بویراحمدی کارت اقامت فرانسه داشت و آزادی و وکیل راد با پاسپورت قرمز رنگ جمهوری اسلامی داشتند.

رئیس پلیس محافظین به خاطر دارد که بویراحمدی قبلاً هم چند نفر را به ملاقات بختیار آورده بود. قاتلین بختیار و کتیبه یک ساعت بعد بدون کوچک ترین آشفتگی و پریشانی از ساختمان خارج شدند، کارت اقامت و پاسپورت های خود را از پلیس محافظ توسط بویراحمدی پس گرفتند و متفرقه را ترک کردند.

حدود ۱۵ تن از پلیس های محافظ در سطور و مسئولیت های مختلف در دادگاه شهادت دادند و مشاهدات خود را بیان کردند. هیچ یک از آنان توضیح ندادند چرا بایدن وضع غیر عادی کرکره های پنجره، روشن ماندن چراغ های منزل به مدت ۴۸ ساعت و خاموش بودن صدای تلویزیون که معمولاً شنیده می شد، اقدامی نکرده اند؛ آنان حتی داخل سالن را هم می توانستند ببینند. ندیده اند یا نخواستند ببینند؟

گزارش پزشکی قانونی

در پایان جلسه پنجم دادگاه خانم دومینیکن لوکونت پزشک قانونی که جنازه ها را معاینه کرده با لحنی صریح و گیرانحوه قتل و شیوه عمل قاتلان را با جزئیات تشریح کرد و توضیح داد که قاتلان حرفه ای بوده اند و با بی رحمی و قساوت غیر قابل تصویری قربانیان را به قتل رسانده اند. وی گفت آثار ضربات نشان می دهد که یکی از مهاجمان دکتر بختیار را در میان بازوان خود گرفته و بر روی زمین غلتانده و دیگری او را خفه کرده است. سروش کتیبه دستیار بختیار که برای تهیه جای به آشپزخانه درده متری محل رفته بود، در بازگشت به سالن به همان شیوه مورد تهاجم قرار گرفت.

هر یک از هفت قاضی حرفه ای حاضر در جلسه به نوبت از خانم لوکونت پرسیدند: آیا برای انجام این قتل یک مرد کافی بود؟ خانم لوکونت بعد از پرسش هر یک از آنان با قطعیت اظهار داشت: برای کشتن بختیار حداقل دو نفر لازم بود. یکی برای نگهداشتن و دیگری برای خفه کردن و کشتن وی. هنگامی که خانم لوکونت نحوه قتل را تشریح می کرد، حضار دادگاه سرها را بالا بردند و وکیل راد خیس عرق بود و رنگ پریده. صدای رئیس دادگاه سکوت را شکست و وکیل راد را به خود آورد:

- آیا آن ها همین طور کشته شدند؟

- من روی کانا به در سمت چپ بختیار نشسته بودم و آزادی در سمت راست وی. آزادی به طور ناگهانی آقای بختیار را هل داده و او را خفه کرد. من به نوبت خود به پهلو افتادم. خیلی ترسیده بودم. آزادی به من دستور داد بروم پنجره را ببندم. من فلج شده بودم. به آشپزخانه پناه بردم. به محض این که سروش کتیبه با من رو در رو شد به او گفتم که چشم هایم درد می کند و بلافاصله بویراحمدی به سوی وی حمله ور شد. من صدای فریاد و ناله ها را می شنیدم. بویراحمدی و آزادی از

بویراحمدی چگونه درون "تهضت" نفوذ کرد

فریدون بویراحمدی کسی که آزادی و وکیل راد را به درون ویلا بختیار در سورن برد و نقشه قتل رهبر "تهضت مقاومت ملی ایران" و دستیارش سروش کتیبه را اجرا کرد، از افراد بسیار مورد علاقه و قابل اعتماد دکتر بختیار بود. او از حدود ۵ سال پیش یکی از افسران بختیار بوده است. بنا به اظهارات آقای حمید ذوالنور مسئول سابق تشکیلات "تهضت مقاومت ملی ایران" علت اعتماد بختیار به فریدون بویراحمدی سابقه آشنائی دیرین طایفه ای آنان و کشته شدن پدر بویراحمدی بود. بویراحمدی با زرنگی و جلب اعتماد دکتر بختیار توانست به عنوان عضو علی البدل شورای رهبری "تهضت مقاومت ملی ایران" ارتقاء یابد. بختیار بویراحمدی را "فردی مبارز و سرپازی پیگیر" می شناخت.

بویراحمدی در جریان ترورد کتر بهمین برومند از اعضای "تهضت مقاومت ملی ایران" به عنوان فردی مطمئن تحت پیگرد پلیس قرار گرفت. پس از چندی، تعقیب وی به علل نامعلومی دنبال نشد. اطرافیان دکتر بختیار بارها به وی نسبت به روابط مشکوک بویراحمدی با رژیم هشدار داده بودند.

در جلسه یازدهم جهان طاهری پسر خاله بویراحمدی و مسئول بخش جوانان "تهضت مقاومت ملی" در دادگاه شهادت داد که بویراحمدی تشکیلاتی به نام هواداران نهضت در ایران به وجود آورده بود که متشکل از پاسداران جمهوری اسلامی بودند. دوست دختر فرانسوی بویراحمدی که از او صاحب یک پسر هم شده، به حاضران در دادگاه گفت: فریدون

در چندین ماه گذشته پول زیادی در اختیار داشت و راحت خرج می کرد. به نوشته فیگارو بویراحمدی از همان روزهای اول تبعید بختیار، از سوی جمهوری اسلامی مأمور نزدیکی به او شده و با ارسال ۱۹۸۷ در ضمن سفر به ترکیه به خدمت رژیم درآمده است.

سرنخ ها به تهران بر می گردد

در ادامه محاکمه، رئیس دادگاه آقای ابو زاکوب تلاش می کند با استناد به اظهارات متهمان در بازجویی و جلسات نخست دادگاه و گفته های شاهدان عینی روشن سازد که سرنخ ها به تهران بر می گردد و وکیل راد و ناصر نوریان به پاریس کوثر و علی حیدر علی رغم تغییراتی که از شروع عملیات ترور تا هنگام دستگیری در هویت و ملیت خود داده اند، همان کسانی هستند که مسعود هندی سرپرست پیشین صدا و سیمای جمهوری اسلامی در پاریس آنان را به درخواست شیخ عطار مسئول بخش ماهواره ها در وزارت پست، تلگراف و تلفن با نام های امیر کمال حسینی و ناصر نوریان به پاریس دعوت کرده است. و چون سفر آنان به علی با مشکل مواجه شده، هندی شخصاً به سفارت فرانسه در تهران رفته و این بار با نام های وکیل راد و محمد آزادی برای شان روایت فرانسه گرفته است.

وکیل راد در مورد روابط خود با محمد آزادی و فریدون بویراحمدی می گوید با محمد آزادی سابقه دوستی ندارد و نخستین بار وی را در ایران در مجلس ترجم شخصی به نام محمد حسین خان طاهری دیده است. او به دادگاه می گوید بویراحمدی را نمی شناخته و برای اولین بار در فرودگاه پاریس با وی روبرو شده و از آن جا که به هنگام ورود به پاریس در فرودگاه گم شده بوده شاهد برخورد نخستین بویراحمدی و آزادی بوده و نمی داند که آیا آن ها همدیگر را می شناختند یا نه.

رئیس دادگاه خطاب به وکیل راد می پرسد: امیر کمال حسینی وکیل راد: نمی دانم.

رئیس دادگاه فرم تقاضای روایت و ورود به فرانسه که با نام امیر کمال حسینی پرومضاء شده و عکس بر آن الصاق است به وکیل راد نشان می دهد و می پرسد: این شما هستید یا نه؟

وکیل راد: نه. این من نیستم. شبیه من است.

رئیس دادگاه: گفتید عکس ممکن است عکس شما نباشد، اما این امضاء که امضای شماست. وکیل راد: نخیر امضای من نیست.

رئیس دادگاه: گفتید عکسی که با نام امیر کمال حسینی روی روایت اولی است خیلی به شما شباهت ندارد، بویراحمدی را هم که نمی شناختید و این شرکت لاتک که آدرسش را در ایران داده بودید و آقای مسعود هندی برای شما از شرکت سیفا کس دعوت نامه گرفته بود هم جعلی است.

وکیل راد: نمی دانم.

رئیس دادگاه: آقای مسعود هندی این ویزاها را شما گرفتید؟ هندی: من برای امیر کمال حسینی و ناصر نوریان روایت گرفتم نه برای وکیل راد و محمد آزادی.

رئیس دادگاه: شما شرکت لاتک را می شناختید؟ هندی: نخیر.

رئیس: پس دروغ نوشتید؟

نمایشگاه کتاب دانشجویی: غرفه های اندک، قیمت های سرسام آور



نمایشگاه کتاب دانشجویی در تهران برگزار شد، در محیطی بسیار کوچک و غرفه هایی محدود. بخش عمده کتاب های مورد نیاز دانشجویان نیز در آن یافت نمی شد. یک دانشجوی در کتابچه پیشنهادات و انتقادات نمایشگاه نوشت: به جای اتومبیل های لوکس کتاب وارد کنید، در این نمایشگاه حتی فروشنده ها هم شرمند بودند!

بارندگی وسیل شدید در ۲۲ استان کشور



بارندگی‌های بی‌دری در ۲۲ استان کشور موجب به راه افتادن سیل و خسارات بسیاری به واحدهای مسکونی، تاسیسات دولتی و عمومی و زمینهای کشاورزی گردید.

بالاترین میزان بارندگی در شهرهای آستارا و سنندج بوده است. در آستارا در دو روز ۸۰ میلی‌متر باران بارید. در سنندج میزان بارندگی طی همین مدت به ۶۵ میلی‌متر رسید. طغیان اکثر رودخانه‌های استان گیلان منجر به آسیب دیدگی شدید اسکله بندر انزلی و هم چنین صدها واحد مسکونی گردید. استان‌های خوزستان، مرکزی، آذربایجان

به نوشته مطبوعات دولتی در هفته دوم آبان ماه درگیری مسلحانه سنگینی میان نیروهای دولتی و شورشیان در منطقه جنوب شرقی کشور رخ داد. روزنامه کیهان نوشت این درگیری در منطقه کهنوج صورت گرفته. در این درگیری گردان‌های ویژه لشکر ۴۱ ثارالله سپاه پاسداران و نیروهای تازه نفس ارتش شرکت داشتند. طبق گزارش منابع دولتی در عملیات سرکوب مسلحانه رژیم در کهنوج ۲۴ تن هدف آتش ارتش و

رفسنجانی: خودی‌ها توطئه می‌کنند

سلام: رفسنجانی اذهان را تخریب می‌کند

انقلابی‌ها، نشستند در جلسات درون گروهی تحلیل کردند که این اوتاً موقت است فقط برای انتخابات آینده است نانی برای خلع سلاح کردن ماست. یک بار اسلحه مبارزه با آمریکا را از دست ما گرفتند و حالا هم می‌خواهند این حربه دیگر را بگیرند.

رفسنجانی ناآرامی‌های اخیر دانشگاه‌ها را هم حاصل توطئه این جریان سیاسی خواند. رفسنجانی این جریان را در کنار "گران‌فروشان خارجی" و "گران‌فروشان معمولی" یکی از سه ضلع مثلث گران‌فروشی خواند و گفت: این‌ها کسانی هستند که شعاری می‌فروشند و رأی مردم را می‌خواهند به این ارزانی بخرند.

هر چند رفسنجانی از جریان مورد نظر خود اسم نبرد، اما همگان فهمیدند که منظور او نیروهایی است که خود را "خط امامی" می‌خوانند و عمده‌تاً حول روزنامه سلام گرد آمده‌اند.

روزنامه سلام در پاسخ، سخنان رفسنجانی را مبهم و تخریب کننده اذهان عمومی نامید و نوشت: "آیا برای یک بار هم که شده به این سوال پاسخ داده ایم که آیا این مردم اند که ظرفیت و شایستگی ورود به فعالیت‌های سیاسی سالم را ندارند؟"

سخنان رفسنجانی در نماز جمعه ۳ هفته گذشته در مطبوعات و محافل و ایستگاه به رژیم بازتاب گسترده‌ای یافت و انتقادهای متعددی را برانگیخت. رفسنجانی در این سخنان خود به "برخی از دوستان انقلاب" شدیداً حمله کرد و آن‌ها را به توطئه‌گری علیه خود متهم نمود. رفسنجانی به نقل از یکی از اعضای این جریان که صحبت‌های خصوصی آن‌ها را نزد وی "گوشه" داده است، گفت: ما انتظار داشتیم جریان‌های سیاسی که با شعارهای گرانی خودشان را در جامعه به عنوان دل سوز مطرح می‌کردند، وقتی این مساله مطرح می‌شود آن‌ها با ما همکاری کنند. اینجا بر خلاف انتظارمان درآمد که خیلی جای تعجب است. از همان روزهای اول نغمه‌هایی شنیدیم که گفتند که این کار اصولی نیست و تبلیغاتی است. ما نور تبلیغاتی است برای انتخابات مثلاً مجلس آینده است. می‌خواهند شعار دست ما را بگیرند، می‌خواهند سنگر ما را خالی کنند. بعد کم کم دیدیم که حرکتی از اطراف شروع شد که نشان از یک حرکت تنظیم یافته‌ای برای مبارزه با این حرکت است که اینجا واقعاً برای ما تلخ است و تحملش کار دشواری است، آن هم از کسانی که دوست انقلاب هستند و خودشان عنصر خانواده

مقتولان هستند. به دلیل کوهستانی بودن منطقه درگیری، سپاه برای فرونشاندن شورش مخالفان به نیروی هوایی متوسل شد. هلی کوپترها منطقه درگیری را موشک باران کردند.

کاربرد سلاح برای سرکوب مخالفان را مجلس دو هفته پیش رسماً تصویب کرد. براساس این مصوبه نیروهای مسلح رژیم مجازند برای سرکوب مخالفین بر روی آن‌ها آتش بکشند.

سرکوب خونین مخالفان در کهنوج

در درگیری مسلحانه ۲۴ تن کشته و دهها تن دستگیر شدند

سپاه قرار گرفتند. یکی از مسئولان نظامی سپاه پاسداران هدف عملیات راسرکوب اقدامات ضد امنیتی "در کهنوج خواند و این عملیات را موفقیت آمیز ارزیابی کرد. وی افزود از شورشیان چند قبضه آرپی‌جی، بی

رویدادهای ورزشی

نتایج پانزدهمین هفته مسابقات فوتبال قهرمانی باشگاه‌های کشور



صحنه‌ای از مسابقه استقلال تهران و صنعت نفت آبادان. این مسابقه یک بریک پایان یافت.

مسابقات فوتبال قهرمانی کشور، هفته پانزدهم خود را پشت سر گذاشت. صنعت نفت آبادان در حضور ۳۰ هزار تماشاگر در تهران به دیدار استقلال رفت و تا دقیقه ۸۴ نیز با گل دقیقه ۲۰ امید حمیدی اصل جلو بود. در این دقیقه ادموند اختر گل تساوی را برای آبی‌پوشان پایتخت به ثمر رسانید. در یک رویارویی دیگر جنوبی‌ها با تیم‌های پایتخت، جنوب اهواز موفق شد با یک گل بانک تجارت را مغلوب کند. استقلال اهواز نیز میزبان پاس تهران بود و در یک دیدار پرگل پاس را ۳ بر یک شکست داد. استقلال اهواز اخیراً مربی خود را تغییر داده و حسن سالمی

تیم ملی فوتبال امید جام وحدت دوستی را برد

تیم ملی فوتبال امید ایران در مسابقات جام وحدت دوستی که در دوی بر گزار شد، به مقام قهرمانی دست یافت. تیم ملی امید با کسب ۵ امتیاز حاصل دوبرویک تساوی یا نتیجه گل بهتر نسبت به تیم الاهلی دوی به جام دست یافت. استقلال تهران، نماینده دیگر ایران در این مسابقات تنها به کسب یک امتیاز موفق شد و به مقام چهارم رسید. حمید مطهری گل زن تیم ملی امید با زدن ۳ گل عنوان بهترین گل زن مسابقات را به دست آورد.

محمد رمضان زاده قهرمان سابق کشتی آسیا در گذشت

محمد رمضان زاده قهرمان سابق وزن ۹۰ کیلویی کشتی فرنگی آسیا هفته گذشته بر اثر سکته قلبی در گذشت. رمضان زاده در مسابقات آسیایی تهران در سال ۵۳ قهرمان آسیا شد. وی بارها در مسابقات بین‌المللی شرکت کرده بود.

رمضان زاده پس از سپری شدن دوره قهرمانی، به مربی‌گری پرداخت و سر مربی تیم کشتی فرنگی استان خوزستان شد.

تغییرات در فدراسیون کشتی

محمد رضا طالقانی نایب رئیس فدراسیون کشتی که در روزهای اخیر شایعه نامزدی او برای تصدی ریاست فدراسیون کشتی بالا گرفته است، در گفتگویی در مورد علت استعفایش پس از بازگشت از بازیهای آسیایی گفت: علت استعفای من برای پیشرفت کارها بوده است. من جای کسی را تنگ نکرده‌ام، از همکاری همه استفاده می‌کنم. من کنار کشیدم تا دیگران نگویند طالقانی خود سرانه عمل می‌کند.

محمد رضا طالقانی ضمن تغییراتی در کادر

خبرهای کوتاه

انفجار دو بمب در تهران

شب ۱۷ آبان ماه دو بمب در تهران منفجر شد که در جریان آن دوتن نیز جان خود را از دست دادند. انفجار نخست در خیابان فداییان اسلام، در جنوب تهران، در جنب دیوار انبار مرکزی بانک ملی صورت گرفت و انفجار دوم مقابل در شمالی انبار سیلو در چهارراه چیت سازی رخ داد. در این انفجارها علاوه بر کشته شدن ۲ تن که هویت آن‌ها اعلام نشده است، خساراتی به یک اتوبوس نیز وارد آمد. بمبی که در خیابان فداییان اسلام منفجر شد در یک سطل زباله کار گذاشته شده بود.

به دنبال این انفجارها، یک مقام امنیتی رژیم اعلام کرد که: از عاملین بمب گذاری جنوب تهران سرنخایی به دست آمده است و ما مورین در تعقیب عاملین این اقدام تروریستی هستیم. وی از اظهار نظر در مورد هویت عاملین این بمب گذاری خودداری کرد و گفت که نتایج تحقیقات متعاقباً اعلام خواهد شد.

۱۰ دانش آموز دختر جان باختند

در یک تصادف جان خراش در نزدیکی شیراز یک مینی‌بوس حامل دانش آموزان دختر با یک تریلی برخورد کرد و ۹ تن از دانش آموزان و یک عابر پیاده در این تصادف جان خود را از دست دادند و بقیه سرشیتان مینی بوس زخمی شدند.

عادلی مشاور رفسنجانی شد

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی هاشمی رفسنجانی طی حکمی محمد حسین عادلی رئیس پیشین بانک مرکزی را به سمت مشاور رئیس جمهور در امور اقتصاد بین‌المللی تعیین کرد. عادلی چندی پیش بدلیل بحران ارزی و اعتراضاتی که در مجلس به سیاستهای ارزی دولت صورت گرفت از ریاست بانک مرکزی برکنار شد.

عراق ۹ ماهیگیر ایرانی را دستگیر کرد

۹ ماهیگیر ایرانی ۱۶ آبان ماه در شرایطی که قایق آنها بدلیل شرایط جوی نامناسب در ساحل اروندرود به گل نشسته بود توسط نیروهای عراقی دستگیر و به خاک عراق برده شدند. به گفته یکی از مسئولین فرمانداری آبادان، مسأله بازگرداندن آنها از طرق قانونی و بین‌المللی دنبال می‌شود.

درج تاریخ تولد هجری قمری در شناسنامه‌ها

سازمان ثبت احوال کشور با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که بمنظور اصلاح اساسی (ا) نظام ثبت احوال از اول آذرماه سال جاری تاریخ تولد هجری قمری در شناسنامه‌ها درج می‌شود. براساس این اطلاعیه هر کس تمایل داشت می‌تواند جهت درج تاریخ تولد قمری در شناسنامه خود به نزدیکترین واحد ثبت و احوال مراجعه نماید.

تمدید مهلت تعویض شناسنامه‌ها

برای چندمین بار مهلت تعویض شناسنامه‌های قدیمی تمدید شد. به گفته رئیس سازمان ثبت و احوال آخرین تعویض شناسنامه‌های قدیمی ایرانیان مقیم خارج تا اول دیماه (۲۲ دسامبر) است. وی گفت کسانی که تا این تاریخ شناسنامه‌های خود را عوض نکرده‌اند بعد از پایان مهلت تعیین شده به دادگاه معرفی خواهند شد.

حمله به دفتر کیهان اندیشه در قم

دفتر مجله "کیهان اندیشه در قم شبانه مورد هجوم افرادی ناشناس قرار گرفته و شیشه درب ورودی آن شکسته می‌شود. به نوشته روزنامه "کیهان" این افراد پس از شکستن شیشه، درب وارد دفتر مجله شده و ساعتی بعد پس از جستجوی آن که چیزی همراه ببرند محل را ترک می‌گویند. ساعتی بعد شخص ناشناسی به سپاه اطلاع می‌دهد که در محل دفتر کیهان اندیشه بمب کار گذاشته شده است. اما در پی جستجوی ما مورین بمبی یافت نمی‌شود. به نظر می‌رسد این عمل یک اقدام ایذائی علیه مجله "کیهان اندیشه" بوده است. گردانندگان مؤسسه "کیهان که مجله" کیهان اندیشه نیز وابسته بدان است، خود از مبتکران این گونه اقدامات ایذائی علیه مجلات و نشریاتی بودند، اکنون خود به همین شیوه از سری مخالفان نشان مورد آزار قرار می‌گیرند.

برگزاری هفته کتاب

از نوزدهم تا بیست و پنجم آذرماه هفته کتاب در ایران برگزار می‌شود. به گفته مدیر کل ارشاد اسلامی قرار است بدین مناسبت ۵۵ نمایشگاه کتاب در کتابخانه‌های عمومی و ۱۱۰ نمایشگاه در مساجد دایر شود. وی گفت براساس تحقیقی که در سال گذشته انجام گرفته کتابهای داستان، شعر و کتابهای علمی و اسلامی از طرفداران بیشتری در میان مردم برخوردار است. وی اضافه کرد کتابخانه‌های پستی برای استفاده عموم مردم راه اندازی خواهد شد.

دانشجوی بسیجی زخمی شد

به گزارش روزنامه کیهان یک دانشجوی بسیجی دانشگاه تبریز که در بازار تبریز قصد "مربه معروف ونهی از منکر" شخصی را داشت مورد حمله فرد مزبور قرار گرفته و با ضربات چاقو مجروح و به بیمارستان منتقل شد. به گزارش این روزنامه ضارب توسط نیروهای انتظامی دستگیر و بازداشت شد.

سراهنه گوشت: فقط ۲۹ گرم!

بر اساس آمار رسمی، متوسط سرنه گوشت مصرف شده در سال گذشته در مناطق شهری کشور در یک روز معادل ۲۹ گرم بوده است. رقم ۲۹ گرم مصرف متوسط سرنه است و در آن خانوارهای مرفه بردارند و کم درآمدی در آن سرنه مصرف می کنند و قادرند از منابع مختلف بویژه گیاهی و دریایی پروتئین خود را تامین کنند چندان مهم نباشد اما در ایران وقتی که درآمد کم و قیمت حیوانات و تخم مرغ مانند گوشت گران و نایاب است و مردم امکانات متنوع و ارزانی برای جبران کمبود خود ندارند، فاجعه بار است.

بر اساس آمار رسمی، متوسط سرنه گوشت مصرف شده در سال گذشته در مناطق شهری کشور در یک روز معادل ۲۹ گرم بوده است. رقم ۲۹ گرم مصرف متوسط سرنه است و در آن خانوارهای مرفه بردارند و کم درآمدی در آن سرنه مصرف می کنند و قادرند از منابع مختلف بویژه گیاهی و دریایی پروتئین خود را تامین کنند چندان مهم نباشد اما در ایران وقتی که درآمد کم و قیمت حیوانات و تخم مرغ مانند گوشت گران و نایاب است و مردم امکانات متنوع و ارزانی برای جبران کمبود خود ندارند، فاجعه بار است.

درآمد اوپک به نصف کاهش یافته است

دبیرخانه سازمان کشورهای تولید کننده نفت (اوپک) در گزارشی که از وضع تولید و درآمد اعضای اوپک انتشار داد، اعلام کرد درآمد این سازمان نسبت به سال ۱۹۸۰ به نصف تقلیل یافته است. درآمد سازمان اوپک در سال ۱۹۸۰ حدود ۲۷۵ میلیارد دلار بوده است. در سال جاری این رقم از سطح ۱۳۰ میلیارد دلار تجاوز نکرد. بنابراین گزارش اگر کاهش ارزش دلار در این مدت نیز در نظر گرفته شود، میزان افت درآمد کشورهای تولید کننده نفت بسیار بیش تر از نصف کاهش یافته است. روز دوشنبه ۲۰ آبان اجلاس تازه وزرای نفت اوپک در جزیره بالی در اندونزی تشکیل می شود تا در مورد سقف تولید اوپک و نیز دبیر کل جدید آن تصمیم بگیرد. اوپک در اجلاس گذشته خود نتوانست دبیر کلی برای خود انتخاب کند. هیچ یک از کاندیداها از جمله کاندیدی معرفی شده از سوی جمهوری اسلامی - کاظم پوراردبیلی - آرای کافی برای تصدی بست دبیر کلی به دست نیاوردند. جمهوری اسلامی احراز بست دبیر کلی از سوی ایران را حق و توبت خود می داند، اما جز خود در جمع ۱۲ کشور اوپک حامی دیگری ندارد.

مجلس شورای اسلامی کار بررسی و تصویب جزئیات برنامه ۵ ساله دوم را که کلیات آن در مرداد ماه گذشته به تصویب رسید، از روز یکشنبه ۱۵ آبان ماه آغاز کرد. در فاصله حدود ۳ ماهی که از تصویب کلیات این برنامه می گذرد، کمیسیونی مرکب از ۲۵ نفر از نمایندگان مجلس روی جزئیات برنامه کار می کرد. ریاست این کمیسیون را حبیب الله عسگر اولادی بر عهده داشت که یکی از چهره های نامدار جناح بازار حکومت اسلامی است. با توجه به ترکیب این کمیسیون و مجلس که اکثریت آن با گروه بازار روحنیت (رسالتی ها) است، اغلب نظرات و پیشنهادات کمیسیون با حداقل بحث در مجلس به تصویب می رسد.

شاخص های کلی برنامه

برنامه ۵ ساله دوم بر اساس حدود ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد ارزی در طول ۵ سال طراحی شده است که ۷۳ میلیارد دلار آن از محل صادرات نفت و ۲۷ میلیارد دلار آن از طریق صادرات غیر نفتی تامین خواهد شد. به عبارت دیگر دولت سالانه بطور متوسط روی ۱۵ میلیارد دلار درآمد نفتی حساب باز کرده است. اگر بهای نفت در همین حد ماه های اخیر نوسان کند و تحول چشمگیری در بازار جهانی نفت به سود افزایش بهای آن پدید نیاید - که احتمال آن بسیار کم است - درآمد دولت جمهوری اسلامی از محل فروش نفت سالانه از ۱۲ تا ۱۳ میلیارد دلار تجاوز نخواهد کرد.

کاربررسی و تصویب جزئیات برنامه دوم آغاز شد

در طول برنامه دوم بهای تمام کالاها و خدمات دولتی افزایش می یابد

دولت اجازه یافت از ۱۰ میلیارد دلار دیگروام و اعتبار خارجی استفاده کند

برنامه دوم بر اساس ۷۳ میلیارد دلار رفتی و ۲۷ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی تنظیم شده است

شده از محل صادرات غیر نفتی وضع به مراتب بدبینانه تر است. به عنوان مثال دولت برای ۴ سال اول برنامه ۵ ساله نخست ۱۱/۵ میلیارد دلار درآمد حاصل از صادرات غیر نفتی پیش بینی کرده بود، اما در عمل تنها ۷/۷ میلیارد دلار به دست آورد. در این اوضاع بحرانی اقتصاد کشور و رکود تولید که به هیچ روی مقطعی و گذرانیست، دست یابی به ۲۷ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی از محالات است.

بر پایه این پیش بینی از سطح درآمد های ارزی، واردات نیز در طول برنامه ۵ ساله آینده افزایش خواهد یافت. مطابق برنامه حجم واردات از ۱۶/۵ میلیارد دلار در سال ۷۳ به حدود ۲۰/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۸ (سال پایانی برنامه) خواهد رسید. هزینه های دولتی در طول برنامه حدود ۱۵ درصد افزایش می یابد. این افزایش شامل بودجه نظامی نیز می شود. درباره میزان اشتغال پستی بینی شده است که در طول ۵ سال آینده برای ۲ میلیون نفر امکان اشتغال فراهم آید. این میزان تنها یک چهارم میزان رشد جمعیت کشور و همین طور رشد جمعیت آماده به کار

بعد دولت می تواند به تشخیص خود بهای فرآورده های نفتی را افزایش دهد.

برنامه ۵ ساله دوم نرخ متوسط تورم در طول برنامه را ۱۲/۴ درصد پیش بینی کرده است. این میزان در برنامه اول حدود ۹ درصد پیش بینی شده بود، اما در عمل از مرز ۵۰ درصد تجاوز کرد. منابع رسمی دولتی نرخ تورم در ماه های اخیر را حدود ۳۴ درصد اعلام کرده اند. با تصمیم دولت به گران کردن نرخ کالاها و خدمات دولتی و رکودی که بر فعالیت های اقتصادی و تولیدی سایه افکنده است، تورم از مرز ۵۰ درصد نیز خواهد گذشت.

استقراض از خارج

ادامه خواهد یافت

مجلس به هنگام تصویب کلیات برنامه دوم مقرر کرد که سالانه ۵۰ درصد از بهی های خارجی دولتی کاسته شود به طوری که در پایان برنامه کل بهی های خارجی بیش از ۲۵ میلیارد دلار نباشد. به این ترتیب در ۵ سال آینده باید حدود ۲۱ میلیارد دلار از درآمد های ارزی خود را به باز پرداخت این بهی ها اختصاص دهد. این میزان حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد از درآمد سالانه ارزی دولت را خواهد بلعید. علاوه بر این مجلس به دولت اختیار داده است که مجدداً ۱۰ میلیارد دلار دیگروام و اعتبار خارجی استفاده کند. اگر دولت به این مصوبه ها وفادار بماند، در پایان برنامه دوم کشور با بدهی حدود ۳۵ میلیارد دلار بدهی خارجی خواهد داشت.

افزایش بهای کالاها

و خدمات دولتی

در برنامه دوم بهای همه کالاها و خدمات دولتی هم چون آب، برق، گاز، نفت و بئزین تلفن و خدمات پستی افزایش خواهد یافت. هر چند میزان پیشنهادی دولت برای افزایش قیمت ها همگی به تصویب نرسید و تا حدی تعدیل شد، اما مجلس دست دولت را در بسیاری از زمینه ها باز گذاشت که به تشخیص خود بهای کالاها و خدمات دولتی را بالا ببرد. تنها محدودیت ایجاد شده در سال نخست برنامه (۷۴) است که بنا به مصوبه مجلس، دولت در افزایش قیمت ها نباید از سقف تعیین شده تجاوز کند. برای مثال در سال ۷۴ بهای بنزین صدریال، نفت سفید ۲۰ ریال، گازوئیل ۲۰ ریال و نفت کوره ۱۰ ریال خواهد بود، اما در سال های

نابودی نگرانی اورمراغ و جنگل هادر ایران



نشسته است بیشتر روشن می کند. روزنامه اطلاعات از قول مقام یاد شده نوشته است که از ۹۰ میلیون هکتار مراتع کشور سالانه ۸۰۰ هزار هکتار آن تخریب می شود. این روند اگر مهار نشود صد سال دیگر ایران کشوری فاقد مراتع خواهد بود که نه در آن از زمین های سبز طبیعی اثری هست و نه دامداری رایج در آن حیاتی دارد. هم اینک نیز زیان های ناشی از نابودی مراتع و جنگل ها و روند شتابناک کویرزایی در کشور به خوبی قابل مشاهده است. عدم توجه لازم جمهوری اسلامی و نیز تدوین سطح نازل دانش عمومی نسبت به اهمیت زیست بوم خویش، محیط زیست را بیش از پیش در معرض خطر های مهلک تری قرار خواهد داد.

هستند، کم با بیش دچار بیماری های درختی ناشی از مسمومیت هوا می باشند. به نوشته روزنامه های تهران آلوده ترین هوای ایران است. نزدیکی شهرها به یکدیگر و فراوانی وسایل نقلیه و نیز دودزایی و معایب فنی اکثر این وسایل آلودگی هوای استان گیلان را به ۵ برابر حد مجاز رسانده است. میزان سرب موجود در هوای شهرهای هم چون رشت، بندرانزلی و لاهیجان ابعاد خطرناکی یافته و سلامت اهالی و طبیعت آن منطقه را تهدید می کند. در همین حال اطلاعاتی که رئیس سازمان جنگل ها و مراتع کشور درباره میزان تخریب مراتع ارائه داده است، ابعاد فاجعه ای را که در کمین محیط زیست ایران

خطه شمال که هنوز هم بیلاق ایران به شمار می رود و سالانه هزاران مسافر را به سوی خود می کشد، به سبب بی توجهی جمهوری اسلامی به محیط زیست و حفاظت جنگل ها آسیب های سنگینی دیده است. بنا به نوشته روزنامه های تهران برای مثال استان گیلان اینک دارای ۵۷۶ هزار هکتار جنگل می باشد که بیست سال پیش این مقدار دو برابر این بوده است. خسارات چشمگیری که سیل در هفته های اخیر در دو استان شمالی مازندران و گیلان به وجود آورد، قسماً از همین تخریب جنگل ها و هموارتر شدن راه هجوم سیل به شهرها و مناطق تجاری و اقتصادی نشأت می گیرد. آن بخش از جنگل های شمال هم که هنوز با برجا

همه سرخ ها...

ادامه از صفحه ۳

هندی: آقای رئیس... من این دو نفر را فقط ده دقیقه دیدم. وقتی بعد از قتل بختیار به پاریس آمدم در تلویزیون دیدم عکس این دو نفر را با نام های وکیلی راد و محمد آزادی نشان می دهند. گفتم اما این ها که امیر کمال حسینی و ناصر نوریان هستند!

از جلسه نهم دادگاه وکیلی راد با اعتراضات جدید به یکی از چهره های مطرح در مطبوعات فرانسه بدل شد. وی گفت از مرز فرانسه - سوئیس سواری بر یک اتوبوس محلی عبور کرده و محمد آزادی هنگام عبور از مرز همراه او نبوده است. در گزارش قاضی پروکیرو دیگر با زوجنی ها وی اعتراف کرده که آن دو با هم بوده اند. اظهارات اخیر وکیلی راد با طرح اولیه مطابقت دارد. آن ها پس از قتل بختیار به علت ناآشنائی و سرگردانی نتوانسته بودند به اتوبوسی که از آن یاد می کند به موقع برسند. وکیلی راد گفت پس از ورود به سوئیس به مقابل دفتر هواپیمائی ملی در ژنور رفته تا طبق طرح با بیژن اکبری که قرار بوده وی را به ترکیه و آن جا به ایران برساند، ملاقات کند. دیدار آنان از آن جا که وکیلی راد تا اخیر داشته، عملی نشده است. بیژن اکبری همان کسی است که در تهران فرم تقاضای روادید وکیلی راد را با نام امیر کمال حسینی پر کرده است. وکیلی راد از این پس تا زمانی که توسط زندان امری سوئیس در حالی که در فکریافتن یک راد حل در قایقی به خواب رفته بود، دستگیر شود، سرگردان بوده است.

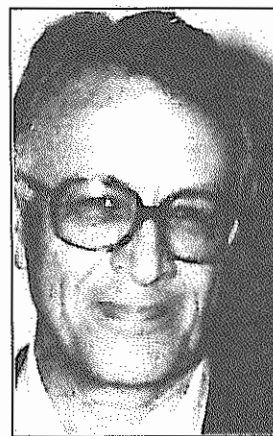
اعتراضات جدید وکیلی راد

در جلسه روز ۱۴ نوامبر رئیس دادگاه در این رابطه از وی پرسید:

چرا در حالی که در هتل زندگی می کردید، به محض ورود به پاریس یک آپارتمان را اجاره کردید؟ وی پاسخ داد: بوی احمدی از من خواسته بود این کار را بکنم. او آدرس و پول لازم را به من داد و گفت که مایل نیست صاحب خانه او را ببیند.

وکیلی راد ادعا می کند که از سال ۱۹۸۷ عضو نهضت مقاومت ملی ایران بوده است. روز ۱۵ نوامبر خانم ساراپرومند صاحب خانه مذکور به سوالات دادگاه پاسخ می گوید. وی پس از اطلاع از این که مستأجرین او تحت تعقیب پلیس هستند، دست به هیچ اقدام خاصی نمی زند. در تماسی تلفنی، یک دوست به او می گوید این یک کارروما جرای سیاسی و خطرناک است. خانم پرومند افزود: من گاهی به ایران می روم. من ترسیدم. در این روز وکیلی راد در بخشی از سخنان خود می گوید در ژنور به سفارت جمهوری اسلامی مراجعه کردم. آن ها مرا به اطاقی هدایت کردند و در آن جا توسط مقامات مورد پرس و جو قرار گرفتم. به آن ها اطلاع دادم که تحت تعقیب هستم. فکری کردم که همه آن ها مرا شناخته اند. گفتم آیا روزنامه ها را خوانده اید؟ عکسم در همه جا هست، من وکیلی راد هستم. همه چیز را برایشان تعریف کردم. آن ها به من گفتند: این ها هیچ گونه ربطی به ما ندارد و مرا از آن جا بیرون کردند. وکیلی راد در جریان بازجویی های خود هیچ گاه مراجعه به سفارت جمهوری اسلامی در ژنور را مطرح نکرده بود. سفیر جمهوری اسلامی در پاریس در مصاحبه ای با راد بویین المللی فرانسه مراجعه وکیلی راد به سفارت را مورد تأیید قرار داد و در

استاد مهرداد بهار در گذشت



فرهنگستان ادب و هنر و عهده دار شد.

استاد مهرداد بهار چهره درخشان پژوهش در اسطوره و حماسه شناسی و شناخت ادبیات ایران باستان، روزیکشنبه ۲۲ آبان (۱۳ نوامبر) در اثر سرطان خون در سن ۶۵ سالگی چشم از جهان فرو بست. با مرگ بهار گستره تحقیق در تاریخ، فرهنگ و زبان ایران باستان یکی از سرآمدان خود را از دست داد.

مهرداد بهار پنجمین و تنها فرزند پسر ملک الشعراء بهار بود. وی در میانه تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی بود که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۷ و راه جرم همکاری با حزب توده ایران از دانشگاه به زندان راند و دو سالی در بندش نگاه داشت. وی در سال ۱۳۳۶ موفق به اخذ لیسانس از دانشگاه تهران گردید. مهرداد هم چون پدر خود به ادبیات کهن ایران و زبان های باستانی آن گرایش و دلبستگی داشت. او ۶ سال را صرف مطالعه در این زمینه ها نمود. وی با نوشتن رساله ای درباره "آفرینش در اساطیر ایران" به دریافت دانشنامه دکترای نایل آمد. او سمت های متعددی را در بنیاد فرهنگ ایران،

بهار دارای چندین اثر تحقیقی و تالیفی است که از جمله آن ها می توان به "واژه نامه بن دهنش" (پهلوی - فارسی)، "پژوهشی در اساطیر ایران"، "جستاری در فرهنگ ایران"، "سخنی چند درباره شاهنامه" اشاره کرد. بهار به رغم علاقه و دلبستگی اش به فرهنگ کهن ایران، هیچ گاه جانب علم و یافته های تحقیقی را به نفع غرور و تعصب ملی اغراق آمیز رها نکرد و پیوسته روش و رفتاری منعطف و آزاد اندیشانه از خود به نمایش گذاشت. "کار" فقدان این استاد و پژوهشگر گرانمایه را به خانواده وی و جامعه فرهنگی و دانشگاهی ایران تسلیت می گوید.

محمد علی سپانلو: ما به عصر پیش از گوتنبرگ باز گشته ایم!



علی، انگیزه و پیامدهای انتشار بیانیه نویسندگان در تهران بحث و گمانه‌هایی را در محافل مختلف برانگیخته است. خبرنگار روزنامه آلمانی تاتس - ۴ نوامبر - در تهران به سراغ محمد علی سپانلو، نویسنده، شاعر و مترجم معاصر که یکی از امضا کنندگان بیانیه رفته است و نظری رادرمورد نکات فوق جویا شده است. سپانلو در این گفتگو جنبه‌هایی از اعمال سانسور در ایران را تیز و تندی بیان کرده است.

تاتس: نویسنده گانی که بیانیه را امضا کرده‌اند دارای اهداف و دیدگاه‌های سیاسی متفاوتی هستند. اما در بیانیه حرف تنها بر سر یک چیز است و آن هم عبارت است از خواست مشترک امضا کنندگان در مورد حذف و لغو سانسور.

سپانلو: بیانیه با توجه به موازین و چهارچوب‌های قانونی تدوین شده است. ما از آن‌ها برای عموم بشری دفاع می‌کنیم که جزیی از حقوق به

رسمیت شناخته بشهرستند و قوانین موجود داخلی هم آنها را نفی نمی‌کند. از این رو کسی که بخواهد علیه ما اقدام کند عملی خلاف قوانین و مقررات انجام می‌دهد. تاتس: تاثیر سانسور بر کار شما چگونه است؟

سپانلو: بر اساس قوانین ایران کتاب‌هایی مشمول سانسور می‌شوند که به مبنای مذهبی اهانت کرده باشند و یا امنیت کشور را تهدید کنند. آثار من اما حاوی هیچکدام از این جنبه‌ها نیستند، ولی اینکه چرا سانسور می‌شوند از یکسویه تعبیر و تفاسیر خود سرانه دست اندرکاران از دولت فکری برمی‌گردد و از سوی دیگر به دخالت دادن سلیقه‌های شخصی در بازرسی کتابها مربوط می‌شود. آقایان حتی از سانسور کلماتی همچون "بستان" که هیچ ربطی به مبنای مذهبی و امنیت کشور ندارد هم ابایی ندارند. ظاهراً این کلمه آقایان سانسورچی را در موقعیت عجیبی قرار می‌دهد.

مسئله به یک یا دو کلمه هم مربوط نمی‌شود. سال پیش قصد داشتم کتابی که اجازه چاپ آن تنها

پس از دوندگی و دردسرهای بسیار صادر شد را منتشر کنم. اما ناشر نتوانست کاغذ پیدا کند و چاپ آن به تاخیر افتاد. از این رو امسال مجبور شدم دوباره کتاب را برای اجازه چاپ به وزارت ارشاد ببرم. این بار نیز آقایان مجدداً از صفحه اول تا آخر کتاب را مشمول حذف و سانسور کرده‌اند. شعرهایی هستند که در یک مجموعه به آنها اجازه چاپ داده شده و در مجموعه دیگر سانسور شده‌اند! پنج تا از کتابهای من هم اینک جزو کتب ممنوعه‌اند. بعضی از کتابهایم را از خیر انتشارشان گذشته‌ام و اصلاً به وزارت ارشاد نبرده‌ام. بعضی وقت‌ها فکری می‌کنم که ما به عصر پیش از گوتنبرگ باز گشته‌ایم.

است و با خشان در زندگی شخصی از این کمتر نبوده است. ابراهیم که به زن به گونه‌ای نمادین می‌نگرد و این زن رویایی را در وجود صنم بانو می‌بیند بعد از ازدواج صنم بانو با مردی به نام سعید ایمانی که ساواکی بوده است اتفاقی به مینا برمی‌خورد. همه شواهد حاکی از آن است که مینا برای ابراهیم تجسمی زمینی زن رویا گونه او نیست:

بک دفعه دیدم دارم می‌نویسم، نصف صفحه ای نوشته بودم که دیدم با حضور او (مینا) نوشته‌ام. گفتم: (با من ازدواج می‌کنی؟) گفت: چی شد؟ گفتی بوی این فنجان فکرت انداخت؟ (صفحه ۹۸)

صنم نیز به عشق نگاه‌های سودایی دارد. با اینحال ازدواج او با سعید نه از سر عشق بوده است که از سر اجبار. او با آگاهی زن به این زندگی داده و به عینت از رویا های خود گذشته است. آنچنان که انتظارش می‌رود در این رابطه اجباری نیز شکست خورده، کار به طلاق انجامیده و اینک سعید در دی بسری می‌برد و خود او در فرانسه.

رویدادها ابراهیم و صنم بانو را به راه‌های مختلفی کشانده است. صنم بانو نماینده آن نسل از روشنفکران ایرانی است که در خارج از کشور چشم به دنیای دیگری گشوده‌اند و خود را با ادبیات، فرهنگ و هنر اروپا به گونه‌ای سرگرم می‌کنند. ابراهیم، آن روشنفکر ایرانی است که توان کند از میهن خود رانندارد. آنجا "خانه زبان او"، ریشه‌های اوست و او از دیوارگی، از بی‌ریشگی می‌هراسد. البته این درست است که صنم بانو، از انشقاق علاج ناپذیری رنج می‌برد و یکی از دلایل این انشقاق درونی را باید در گزینش زندگی در خارج از کشور دید ولی ابراهیم نیز از این دیوارگی کم بهره نیست و به همین جهت علت خمودگی و انشقاق این دورا باید در وهله اول نه در مسئله جغرافیایی، که در ذات هستی آنان دید. هستی‌ای که برای آنان، آن نیست که باید باشد. هستی‌ای که برای آنان برخلاف تصورشان به گونه‌ای دیگر پیش رفته است.

با نگاهی به کتاب "آینه‌های در دراز" می‌توان زمان داستان را به دو قسمت مرتبط به هم و در عین حال

فرجام شکست در "آینه‌های در دراز"

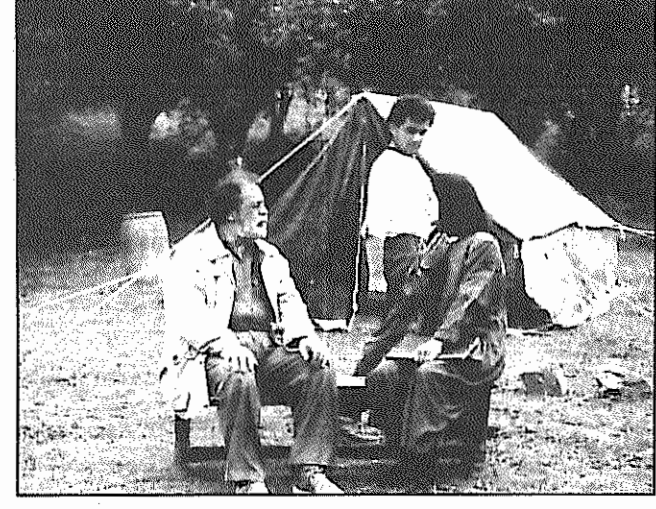
استقبال خواهد کرد و صفحات خود را تا حد ممکن به بازتاب آنها اختصاص خواهد داد. بی‌شک هوشنگ گلشیری یکی از معدود نویسندگان دهه‌های اخیر ایران است که سعی بر آن دارد چه در حوزه زبان و چه در عرصه تکنیک رمان راهی مستقل جستجو و این دو مشخصه را بر شرایط پیچیده روزگار، تطبیق دهد. داستانهای گلشیری درونمایه‌های اجتماعی بسیاری دارد و نویسنده می‌کوشد با نگاه و شیوه‌های خاص واقعیات را به گونه‌های خود ویژه در آثار خود منعکس کند. بی‌جهت نیست که وی در سفری به خارج از کشور، پنهان‌نگی هزاران ایرانی را به عنوان یکی از معضلات مهم ارزیابی کرده و کوشیده است که این مسئله را در آخرین اثر خود بنام "آینه‌های در دراز" بازتاب دهد.

بدیهی است که داستان "آینه‌های در دراز" را نباید به مثابه یک بررسی همه جانبه زندگی ایرانیان ساکن اروپا در نظر گرفت. چنین چیزی نه در حوزه کار نویسنده است و نه مورد ادعای خود او. و از این زاویه نیز نباید به این اثر نگریست. "آینه‌های در دراز" تنها بازتاب گوشه‌های کم و بیش ناشناخته یک واقعیت ملموس از زاویه دید نویسنده و شخصی دیگر است که پایبای یکدیگر دودید مختلف را پیش می‌برند. با این وجود که گلشیری در قالب ابراهیم نویسنده ضمن گشت و گذار در کشورهای مختلف اروپایی و داستان خوانی در جمع ایرانیان مقیم آنجا، به گونه‌ای یادداشت‌های سفرش را می‌نویسد، نمی‌توان این اثر را به عنوان سیاحتنامه قلمداد کرد، چه نوشته او این عرصه را زیر پا گذاشته و از آن فراتر می‌رود. ابراهیم با استفاده از فرصت بدست آورده، یعنی سفر به خارج، گوشه چشمی نیز به عشق دوران جوانی خود، صنم بانو که اینک ساکن اروپاست دارد، و سرانجام نیز

"آینه‌های در دراز" آخرین اثر نویسنده معاصر ایران هوشنگ گلشیری، در داخل و خارج از کشور بازتابهای متفاوتی داشته و تاکنون نقدهای بسیاری بر آن نوشته شده است. در این نقدها از نگاهی که اثر گلشیری را کم نایب و نالتر از آثار قبلی‌اش می‌داند تا نگرشی که آن را نقطه عطف رمان نویسی دوران پس از انقلاب می‌شمارد یافت می‌شوند. یکی "آینه‌های در دراز" را چه به لحاظ ساخت و تکنیک و چه به لحاظ موضوع و زبان در اوج می‌داند (فرج سرگومی / آدینه ۷۷) و دیگری آن را بی‌جستار، هشدار صفحہ اولش تبارز گیجسری گلشیری در تئوری رمان نوشته ایستادن وی در چند قدمی رمان ارزیابی می‌کند. (رضا براهنی / تکاپو شماره ۳) بعضی اثر را آلوده به خطابه گویی برای کل بشر و دادن حکم‌های کلی راجع به انسانها (محمد رحیم اخوت / نگاه نو ۱۵)، نشانه عدم شناخت گلشیری از تپ‌ها، شرایط و درونمایه کار خویش (مهدی قریب / آدینه ۹۴) و نیز نمایانگر نگاه منفی و یکسویه او به مهاجرین و ندیدن تحول و تلاش چند سوزی آنها (ساسان قهرمان / سپیدار ۱۱ - ۱۰) به حساب می‌آورند و در مقابل برخی آن را روایتی واقعی و بی‌ریا از شکست نسلی می‌دانند که قسماً به مهاجرت کشیده شده و هنوز غرق در گذشته خود نیز اینجا و آنجا و بی‌ویژه در مصاحبه‌ای که متن آن در ماهنامه آرش ۴۲/۴۱ درج شده راجع به "آینه‌های در دراز" حرف‌هایی زده که مؤید یا نفی کننده این یا آن جنبه از نقدهایی است که بر این کتاب نوشته شده است. به هر روی دو سال پس از انتشار آینه‌های در دراز، همچنان باب بحث و گفتگو درباره آن گشوده است و طبیعی است که نقد و نظرهای فعلی و آتی هر کدام نه همه جوانب واقعیت بلکه این یا آن جنبه رمان و بالطبع لا به هایی از هستی هنری و اجتماعی ما را رقم زندند. نوشتار زیر نیز چکیده نگاه یکی از خوانندگان کار به آینه‌های در دراز در رنگ دیگری است در برخی از جنبه‌های آن. گفتن ندارد که "کار" از نقدهای دیگر خوانندگان درباره این رمان و رمانهای مطرح معاصر

معرفی "زیر درختان زیتون" برای شرکت در جشنواره اسکار ۹۵

فیلم "زیر درختان زیتون" ساخته بهارز عباس کیارستمی که تاکنون هفت جایزه بین المللی را برده است از سوی ۱۰ تن از کارگردانان، بازیگران و سینماگران ایران در میان ۵۸ فیلم جدید سال اخیر به عنوان بهترین برگزیده شد و برای شرکت در مسابقه اسکار ۹۵ به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا معرفی گردید. از مزه نامزدی یک فیلم برای شرکت در جشنواره اسکار نمایش عمومی آن در سینماهای کشور محل تولید و نیز در سینماهای آمریکا است. همین ضرورت سبب شد که بالاخره جمهوری اسلامی ممنوعیت نمایش "زیر درختان زیتون" را لغو کند و پس از نمایش مکرر این فیلم در جشنواره‌های مختلف سرانجام مردم تهران نیز بتوانند آن را تماشا کنند و جالب آنکه به رغم ممنوعیت نمایش داخلی بسیاری از فیلم‌های ایرانی موفق در جشنواره‌های جهانی، برخی روزنامه‌های وابسته به حکومت خیر این موفقیت‌ها را با آب و تاب درج می‌کنند و تلویحا این فکر دروغین را القا می‌کنند که گویا ساخته شدن چنین فیلم‌هایی به سیاست‌های فرهنگی و سینمایی رژیم برمی‌گردد. "زیر درختان زیتون"



تزارش دیگری از ایران

شادی هنوز نمرده و عشق به زندگی پابرجاست

تزارش زیر حاصل گفتگوی مستقیم و چند ساعته یکی از همکاران نشریه "کار" با تینی چند از مسافری است که از ایران به اروپا آمده‌اند. بدین امید که سایر دوستان و همکارانی که از چنین امکاناتی برخوردار هستند، بتوانند در انعکاس بهتر حال و روز مردم ایران در نشریه کار بکوشند.

ماجرای خودسوزی در قائم شهر

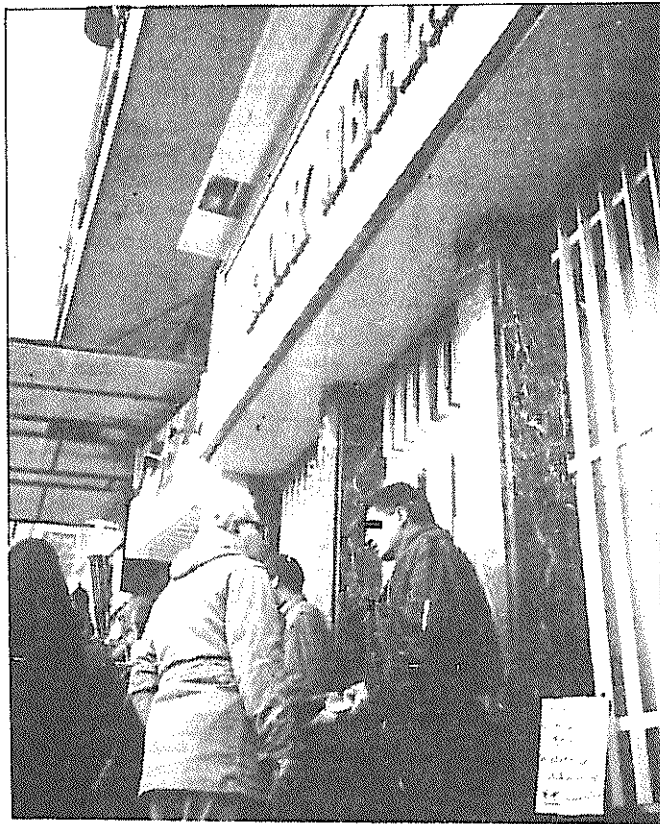
بهر روز محمدی که چندی پیش خودش را در قائم شهر به آتش کشید، حدود ۲۸ سال داشت و سختی‌های زیادی را متحمل شده بود. در سال ۱۶۰ او را به دلیل هواداری از مجاهدین خلق دستگیر کرده بودند. بعد از حدود ۷۶ سال آزاد شد و برای سیر کردن شکم زن و بچه‌هایش به دست فروشی جلوی پاساژ کوه در خیابان رازی قائم شهر مشغول شد. بهروز برای اینکه بتواند به دستفروشی ادامه دهد، مجبور بود هر ماه به مأمورین رشوه بدهد. اما فردای روزی که رشوه ماهانه را پرداخت کرده بود، مأمورین شهرداری دوباره به سراغ او آمدند و طلب رشوه مجدد کردند.

بهر روز گویی که از قبل به این مسأله بسیار فکر کرده بود، وقتی مأمورین وسایلش را ضبط کردند، بطری تینری را که در زیر چرخ دستی‌اش پنهان کرده بود برداشت، به طبقه دوم پاساژ رفت و در بالکنی که مشرف به حیابان رازی بود و چشمان زیادی می‌توانست نظاره گروا باشد تینر را بر روی خود ریخت و کبریت کشید. بهروز چنان سریع آتش گرفت که کسی موفق به کمک به او نشد. شدت آتش چنان بود که مغز بهروز را ترکاند. عکاس داخل پاساژ توانست از او عکس بردارد. مردم جمع شدند و با شعار "مرگ بر شهردار" شروع به تظاهرات کردند. خبر به سرعت در شهر پخش شد و مردم به سوی محل حادثه سرازیر شدند. مأمورین سیاه ابتدا جهت شناسایی مردم شروع به فیلم برداری از آنها کردند و یک ساعت بعد گارد ضد شورش از ساری رسید.

همان روز عکاس پاساژ و چند نفر دیگر را دستگیر کردند و عکس‌ها را که عکاس از بهروز در حال سوختن برداشته بود از او گرفتند. جوشهر چنان متشنج بود که تا چند روز مأمورین شهرداری جرأت نمی‌کردند در خیابانها ظاهر شوند. مردم ضمن ابراز همدردی با بهروز می‌گفتند: لااقل اول می‌رفتی شهردار را آتش می‌زدی و بعد خودت را آتش می‌سوزاندی! رژیم از ترس نظارات حراست بهاره مردم، مسابقه فوتبالی را که قرار بود در قائم شهر برگزار شود، لغو کرد.

اجتناس اینطور گران می‌شوند

تا حدود ۳ ماه پیش روغن، کوپنی‌اش کیلویی ۶ تومان بود و در بازار آزاد هر کیلو ۹۰ تومان فروخته می‌شد. بعد آنکار که روغن در بساط دولت ته کشید. صادرات محدود شد و روغن کوپنی هم دیگر داده نشد. و این شایعه نیز بود که روغن دارند اما عمدتاً از عرضه کوپنی آن خودداری می‌کنند تا زمینه گران شدنش را فراهم کنند. به حال روغن در بازار آزاد ابتدا به ۱۲۰ تومان و ظرف ۲ ماه به کیلویی ۵۰۰ تومان رسید. بعد از آن رفسنجانی در نماز جمعه عوام فریبانه اعتراض کرد که چرا روغن باید کیلویی ۵۰۰ باشد؟ نتیجه آن شد که نرخ رسمی - کوپنی - روغن را از ۶



دوین‌های بی‌طبه می‌خورد. در برخی از خیابان‌های وسط شهر، در روز روشن و با دفترو دستک و تابلو کوپن‌های باطله خریداری شده به کجا می‌روند و چگونه ارزش دوپاره پیدا می‌کنند؟ سوالی است که سالهاست بر زبان‌ها جاری است و هیچ یک از مسئولین دولتی پاسخی به آن نمی‌دهند.

تومان به ۲۰۰ تومان رساندند و البته در بازار آزاد نیز روغن از ۵۵۰ تومان به ۴۴۰ تومان تنزل کرد. به این ترتیب توانستند نرخ بازار را بشکنند!

مردم چه می‌کنند

پیری زود رس، بیماری‌های روانی، فشارهای عصبی، افسردگی، سکت و بیماری‌های جدید بسیار زیاد و شایع شده است. اثرات جنگ نیز انگار تازه دارد خود را نشان می‌دهد. مردم برخلاف سابق نسبت به کسانی که دارای بیماری‌های عصبی و روانی و افسردگی شده‌اند، همدردی بیشتری نشان می‌دهند.

مواد مخدر بیداد می‌کند، مشروبات الکلی دست ساز و خارجی همه جا وجود دارد، رژیم هم عملاً چشم خود را بسته است، کم نیستند کسانی که حتی موقع رانندگی مشروب خورده باشند. فحش‌های ناشی از فقر و ناداری ابعاد هولناکی یافته است. هستند زنان مجرد و حتی شوهر داری که به خاطر سیر کردن بچه‌هایشان حاضرند در مقابل چند کیلو روغن و یا اجناس دیگر خود فروشی کنند. اینگونه فحشا از چشم مأمورین انتظامی پنهان نیست اما آنها این موارد را پیگیری نمی‌کنند، چرا که اگر کار به بازداشت و دستگیری بیانجامد، خود بخود مسأله سنگسار پیش می‌آید و رژیم به خاطر پیامدهای احتمالی آن ترجیح می‌دهد چشم خود را ببندد.

از گفته‌های مردم

مردم می‌گویند تجربه ۱۵ ساله نشان داد که رژیم هیچ برنامه‌ای ندارد. همه تلاشش متوجه سرپا نگاه داشتن خودش است و بیس مردم می‌گویند اگر نیروهای سیاسی که بعد از انقلاب برآمد کردند حالا در ایران بودند رژیم حتی یک روز هم دوام نمی‌آورد. یکی از دلایلی که خیلی‌ها به شخص رجوعی کینه دارند این است که می‌گویند او جوان‌ها را به کشتن داد و خودش فرار کرد و رفت با صدام همدست شد. در رابطه با انفجار بمب در حرم

حضرت امام رضادر مشهد، با اینکه مردم حدس می‌زنند که کار سنی‌هایی بوده که حکومت چندی پیش مسجدشان را در مشهد خراب کرد، اما دوست دارند بگویند که انفجار کار خود رژیم بوده است این جمله زیاد تکرار می‌شود که: همه این بلا یا زیر سر آخوند هاست.

نسبت به آینده دو نظریه مردم رواج دارد، یک دسته می‌گویند: این رژیم برو و هر کس جای این‌ها بیاید بهتر است. اما دسته دیگری که کمتر هم هستند معتقدند: هیچ معلوم نیست اگر این‌ها بروند وضع بدتر نشود.

وضعیت سازمانهای سیاسی

گفته می‌شود: "کار به استخوان رسیده است" و جرعه‌ای لازم است که همه جا را به آتش بکشد. مردم با ناامیدی انتظار یک ناجی‌ای را می‌کشند که پیدا نمی‌شود. همه جا صحبت از گرانی است و چنان مردم را در منگنه گذاشته‌اند که همه فقط بدنبال سیر کردن شکم خود و خانواده‌اشان هستند. کمتر صحبتی از احزاب و سازمان‌های سیاسی می‌شود. گرایش به مهاجرت و سازمان‌های چپ و لیبرال و ملی به چشم نمی‌خورد، اکثر اعضاء و فعالین سابق سازمانهای سیاسی نیز مثل بقیه مردم، به دنبال کار و گذران زندگی هستند. اما مردم از اینکه سازمان‌های سیاسی در داخل کشور فعال نیستند، تاسف می‌خورند. گروهی در حصرت زمان شاه هستند. اپوزیسیون داخل کشور مثل بازرگان و داریوش فروهر نیز دایره فعالیت محدودی دارند. در یک کلام مردم درمانده و فاقد تشکیلات و سازمان‌های اندک اندک رژیم را به یاد انتقاد می‌گیرند و با جدایی بلند به مسئولین رژیم حتی فحش‌ها و خوار و ملامت می‌دهند.

چند خبر پراکنده

مردم از برنامه‌های تلویزیون تا حدودی راضی شده‌اند. در زمان تصدی محمد هاشمی همه ناراضی بودند، پس از کنار گذاشتن وی مردم بیشتر ناراضی شدند و از همین زمان بود که مسأله ماهواره هم جدی شد و رژیم تا چارچگرد تا حدی به تنوع برنامه‌ها بیفزاید. بطور مثال اقدام به پخش سریال تلویزیونی "آپارتمان" که خیلی پر هزینه بود - کردند. این سریال ایرانی که همراه با آهنگ‌های غربی و آرایش‌های آنچنانی است، مورد اعتراض "امت حزب الله" قرار گرفت و مسئولین مربوطه مجبور شدند آهنگ‌های شروع و خاتمه سریال را حذف کنند. "آپارتمان" در بین مردم طرفداران زیادی داشت.

تخت جمشید، شیراز و اصفهان مورد بازدید معدودی توریست‌های اروپایی و ژاپنی که همه در سنین بالا هستند، قرار می‌گیرد. اما اکثر بازدید کنندگان را ایرانی‌ها تشکیل می‌دهند. راهنمایان در تخت جمشید، برای بازدید کنندگان به دو زبان انگلیسی و فارسی حرف می‌زنند و از کورش و داریوش می‌گویند. سخنان آن‌ها لحن کاملاً ملی و غیر مذهبی دارد.

تقریباً کلیه بهایی‌ها از مشاغل دولتی و رسمی کنار گذاشته شده و به کسب و کار آزاد روی آورده‌اند. همبستگی خوبی بین آنها وجود دارد و از نظر مالی به یکدیگر کمک می‌کنند. سایر مردم نیز با بهایی‌ها ابراز همدردی می‌کنند.

خبرهای علمی

رابطه‌ی هوش با طبقه‌ی اجتماعی و نژاد؟!

کتابی که به نازگی انعکاس زیادی در مجلات و محافل اروپایی و آمریکایی یافته است، منحصرنژادگی یا شکل "Bell Curve" نام دارد و نوشته‌ی یک جامعه‌شناس و یک استاد روانشناسی دانشگاه هاروارد (به نام های چارلی مور و ریچارد هرستین) می‌باشد. این کتاب که در ۸۴۵ صفحه و با ۲۰۰ هزار نسخه انتشار یافته، سروصدای زیادی برآه انداخته و به بحث میان طرفداران و مخالفین اختلاف‌های نژادی دامن زده است.

نویسندگان کتاب فوق با استناد به آمار و جدول‌های مختلف که بر پایه‌ی تست‌های هوشی (IQ) تنظیم شده می‌گویند "درجه‌ی هوش سیاه‌پوستان کمتر از سفیدهاست". "از آنجا که هوش نعمتی است که هر نژادی بهره‌ای معین از آن برده‌اند بنابراین سیاه‌پوستان شایسته‌ی برای ارتقاء جایگاه اقتصادی، اجتماعی خود ندارند و لذا اختصاص دادن امکانات جامعه به آنان هدر دادن سرمایه‌های دولتی است. آنها نتیجه می‌گیرند که کمک‌های اجتماعی به این قشر هیچ خاصیتی جز افزایش جمعیت کم‌هوشان ندارد!"

این اولین بار نیست که نژاد پرستان، با سلاح علم به میدان می‌آیند. در ۱۹۶۹ نیز یک روانشناس کالیفرنیایی به نام جانسون با طرح این مسئله که نتایج تست هوشی در کودکان سیاه کمتر از سفیدهاست بلواتی برآه انداخت. بدنبال این بحث ویا توجه به اینکه سیاه‌پوستان و فقرا بچه‌های بیشتری بدنیا می‌آورند. ویلیام شاکلی فیزیکدان و مخترع ترانزیستور (برنده‌ی نوبل سال ۱۹۵۲) توصیه کرد تا تمام کسانی که ازمایش هوش آنان از ۱۰۰ کمتر است عقیم شوند!

آلبرتا کار متخصص ژنتیک برجسته‌ی فرانسوی که از مدافعین سرسخت بی‌پناهان و درماندگان است بشدت در مقابل این نظریه برخاسته می‌گوید: تست هوشی توسط سفیدپوستان و برای آنها درست شده و بنابراین به معیار زندگی خود آنان برمی‌گردد و طبیعی است که نتایج متفاوتی در بین سیاه‌پوستان می‌دهد. وی اضافه می‌کند برای هوش تعریف‌های متفاوتی وجود دارد و باید از انواع هوش‌ها بر حسب محیط و شرایط زندگی و زمان صحبت کرد.

میشل دوئیسم (Michel Duyme) رئیس آزمایشگاه (CNRS) مرکز تحقیقات علمی فرانسه نیز مخالف نظر تاثير عوامل ارثی بر توانایی‌های فکری است و اظهار می‌دارد که پژوهش‌های علمی تاثير محیط‌های مادی و معنوی را بر قابلیت‌های فکری نشان داده‌اند. چنانکه کودکانی که در خانواده‌های فقیر بدنیا آمده‌اند و در خانواده مرفه به فرزند قبول شده‌اند ضریب هوشی بالاتری از پدر و مادران واقعی خود دارند.

آنچه مهم است اینکه همچنان که ژاکار می‌گوید "هوش خود بخود به وجود نمی‌آید بلکه ساخته می‌شود، استفاده از مغز است که مغز را می‌سازد."

ساختن قلب بی‌تپش

تا کنون پمپ‌هایی که مهندسان برای جایگزینی قلب اختراع کرده‌اند، کارماهیچه‌های قلب را تقلید می‌کنند، ولی در آینده قرار است نوع جدیدی از پمپ‌ها که خون را بطور دائمی به جریان می‌اندازد در سطح وسیع برای بیمارانی که قلبشان نمی‌تپد و یا بسیار ضعیف است، عرضه کرد.

این پمپ‌ها که بخاطر طرح ساده‌شان، قابل اطمینان تراند قیمتشان نصف پمپ‌های تپنده است و چون حجمی معادل یک چهارم پمپ‌های معمولی دارد می‌تواند براحتی در بدن انسان مورد استفاده قرار گیرد.

کیسی فکر می‌کند

در کنفرانسی که در ماه ژوئیه‌ی امسال در باره‌ی نحوه‌ی تفکر طبیعی و مصنوعی در دانشگاه نیویورک برگزار شد، یک نرم افزار هوشمند جدید به نام "کیسی" عرضه گردید. کیسی که از زبان انگلیسی برای بیان افکارش استفاده می‌کند در حد یک کودک در حال رشد از "هوش" برخوردار است. نویسندگان این نرم افزار امیدوارند که کیسی بتواند حجم عظیمی از اطلاعات را جذب کرده و بر مبنای آنها به پرسش‌ها پاسخ دهد. او می‌تواند اطلاعات قبلی خود را از یاد برده و با حکم و اصلاح کند.

شاید پرندگان از دایناسورها منشأ گرفته باشند

یک گروه دانشمندان آمریکایی برای اولین بار موفق شدند که از استخوان یک دایناسور مقداری اسید دزوکسی‌ریبونیوکلیتیک (DNA) را جدا ساخته و بکمک آن اطلاعات ژنتیکی دزوکسی‌ریبونیوکلیتیک را این موجودات بدست آورند. در تحلیل مطالعات انجام شده، مشخص گردیده است که بخاطر شباهت (DNA) دایناسورها و پرندگان، به احتمال زیاد پرندگان از دایناسورها منشأ گرفته‌اند.

در صورتیکه این فرضیه به ثبوت برسد باید پذیرفت که نسل دایناسورها در ۶۵ میلیون سال پیش منقرض نشده، بلکه انواعی از آنها باقی مانده و به مورچه‌ها تبدیل شده‌اند.

روشی تازه برای درمان بیماری قلبی

انژیوپلاستی، روشی که از ۳۰ سال پیش به عنوان جان‌نشین برای جراحی قلب در مواردی از بیماری‌های انسدادی رگهای قلب بکار می‌رود، بر اثر یک ابتکار جدید امید فراوانی برای بیمارانی مبتلا به تصلب شرایین قلب پدید آورده است.

تا کنون از طریق یک بادکنک کوچک که در افواه به بالون معروف است، مجرای بسته شده رگ باز می‌شود، اما اثری دراز مدت در برنداشتن و گاه بیمار در ظرف مدت کوتاهی مجدداً به حمله قلبی دچار می‌شود. در روش جدید تور فلزی نازک و ظریفی مانند یک داربست فلزی در داخل رگ مسدود شده جاسازی می‌شود و مجرای آنرا برای مدت طولانی باز نگه داشته، مانع بروز حمله قلبی می‌شود.

روزشمار یک تجربه سیاسی

مراد ثقفی - فصلنامه گفتگو - شماره ۴

آنچه را که در زیر می خوانید فشرده مقاله بلندی است تحت عنوان روزشمار یک تجربه سیاسی به قلم مراد ثقفی سردبیر مجله گفتگو که دیدگاه ها و حرکت روزنامه سلام از ابتدا تا امروز مورد بررسی و نقد قرار داده است. این مقاله از معدود نوشته هایی است که نه با نگاهی پرخاشگرانه و انتقامجو، که با دیدی نسبتاً دلسوز حرکت این جریان را مورد انتقاد قرار داده است. مراد ثقفی در این مقاله به استناد تعلق دفاع سلام از تشکل های کارگری و کارمندی، جدی بودن آنان در دفاع از محرومان را مورد سؤال قرار می دهد. او سلام را در تلاش برای اصلاح "تفکیک قانون اساسی" نا پیگیری شناسد و سکوت در زمینه دفاع از آزادی احزاب سیاسی مخالف را نشانه همسانی این جریان با جناح مخالف آن تلقی می کند. نویسنده ضمن حفظ فاصله از جریان طرفدار دولت رفسنجانی عدم ارائه برنامه روشن اقتصادی برای دوران پس از پایان جنگ را نقطه ضعف بزرگ جریان سلام در مقابل دولت و نقاط قوت بزرگ نیروهای طرفدار دولت در مقابل جریان سلام ارزیابی می کند.

رادیكال یعنی بازتاب دادن امیدها، چشمداشت ها، آرزوها و خوشپنداری های مستضعفان در چهارچوب توزیع عادلانه ثروت و دیگری قلمداد کردن تداوم حضور جناح اکثریت مجلس سوم در قدرت به عنوان وسیله رسیدن به این آرزوها. در سیاستی که سلام برای دفاع از حقوق تبهی دستان پی گرفت، نه کمترین اشاره ای به ساماندهی تولید و شیوه راه اندازی اقتصادی کشور است و نه کوچکترین سعی ای در به دست آوردن جایگاهی پیوسته در تولید اجتماعی. بدست گرفتن رهبری جنبش تبهی دستان، این است اساس سیاست های سلام برای بهبود وضع مستضعفان. اما روشن بود که چنین سیاستی نمی توانست موفقیتی را به همراه داشته باشد. زیرا ناپسامانی اقتصاد ایران، کاهش فعالیت تولیدی و نتایج آن یعنی گسترش فقر در جامعه را نمی شد به هیچ عنوان به گردن برنامه های دولتی گذاشت که کمتر از یکسال بود زمام امور را در دست گرفته بود.

تأکید بر حفظ نیروهای "انقلابی"

بر مصداق امور

برای جلوگیری از برکنار شدن نیروهایی که سلام با نام هایی همچون "انقلابی"، "حزب الهی" و "خط امام" از آنها یاد می کند، دست اندر کاران این روزنامه تمامی نیروی قلمی و فکری خود را بسیج کردند. ناتوانی آشکار کسانی که در این روزنامه، سلام دفاع از آنان را هدفت خویش قرار داد در برقراری پیوسته ای اجتماعی بین مبارزه سیاسی خود و خواسته های روزمره ی مردم از سویی و شاید برخی محذورات نظری از سوی دیگر مانع از موفقیت این افراد در این پیکار شد. مقابله با رد صلاحیت کاندیداهای جناح اکثریت مجلس سوم در انتخابات چهارمین مجلس شورای اسلامی، یگانه سیاست این جناح و سلام که در این دوران همچون روزنامه ای ارگان این جمعیت فعالیت می کرد، بود. هر چند آشکار بود که به دفاع از قانون اساسی و حتی تدقیق آن به نفع تعریف روشن تری از سلسله مراتب قدرت و تبیین روابط تعریف سیاسی مشخص تری می پردازد، اما کمترین نشانه ای واقعی از پیگیری این شیوه ی جدید تفکر در زمینه عملی دیده نشد.

مبارزه ی حقوقی سلام حول دو محور یعنی ۱- تغییر قوانین انتخاباتی و برداشتن قید "التزام عملی به اسلام" همچون شرط پذیرش کاندیداتوری برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی و ۲- محدود کردن نقش شورای نگهبان به نظردهی اعمال مشورتی در رد یا قبول صلاحیت کاندیدها، چرخید و کمترین پیوندی با خواست های عموم مردم در برخورداری از رفاه و نیز انتظارات کسانی که می توانستند در این قانون گرایان طلیعه ی روابط جدیدی را در جامعه ببینند، پیدا نکرد.

تغییر قوانین انتخاباتی و برداشتن قید "التزام عملی" همچون شرط پذیرش کاندیداتوری برای نمایندگی مجلس می توانست همچون گشایشی به سمت شرکت فعال همه ی نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور و همه ی ایرانیان در تعیین سرنوشت خود به حساب آید، ناروشنی این قید و امکانات نامحدودی که برای تفسیر باز می گذاشت، همچون مانعی حقیقی در جهت این مشارکت عمل می کرد. همه ی نظریه پردازان سیاسی برای این امر متفق القولند که ناروشنی در قانون و امکان تفسیر نامحدود آن نتیجه ای جز "قانون زور ندارد. زمانی که اهلیت به دارندگان عقیده ی معینی محدود شد، این محدودیت می تواند همه و هر کسی را در برگیرد و ناگزیر به استبداد مفسر و مفسرین ویژه و دارندگان حق تعبیر که همان دارندگان قدرت اعمال تفسیر هستند، منجر می شود. سلام زمانی به این واقعیت پی برد که اوضاع و احوال مقدمات سقوط او را از مقام مفسر ویژه به جایگاه مردم عادی فراهم آورده بود.

انتخابات چهارمین دوره ی

مجلس شورای اسلامی و...

روز جمعه ۲۱ فروردین ۷۱، یعنی درست چهارده ما

پیوند این شعار با نظریات سیاسی اش نکرد، یعنی نه فقط در تبدیل این شعار به یکی از اصول برنامه ای سیاسی - که هیچگاه تعیین نیز نشد - کوشان بود، بلکه عوامل مهم پیوند اجتماعی این شعار با واقعیات و الزامات روزنیز از چشم آن بخش از طرفداران این هدف که حول سلام گرد آمده بودند پوشیده ماند. سلام هیچگاه نه موفق شد بین این اهداف و مهمترین مسئله ی اقتصادی کشور، یعنی الزامات اقتصادی کشور در دوران بازسازی پیوندی برقرار سازد و نه اینکه توانست به دیدگاه روشنی پیرامون خاستگاه اجتماعی لازم برای عملی کردن این هدف دست یابد.

نادر (اگر نگویم تنها) مقاله ی جدی که سلام مستقیماً به موضوع دفاع از مستضعفین اختصاص داد، مصاحبه ای بود با محمد سلامی، نماینده ی تهران در مجلس شورای اسلامی. سلامی در همین مصاحبه به روشنی یکی از جنبه های مهم سیاستی را که به نظر او باید حایمان مستضعفان و محرومان جامعه در پیش بگیرند عنوان می کند: "از مهمترین مشکلات جامعه ی کارگری عدم توجه مسئولین و مدیران به تشکل های کارگری و حتا تضعیف آنهاست. هم اکنون انجمن های اسلامی و شوراهای اسلامی کار مواجه با بی مهری مدیران و مسئولان می باشند... و با کمال تأسفک هم اکنون ما شاهد تشکل های کارگری هستیم که حتا تشکل های مشابه زمان طاغوت بسیار ضعیف تر و ناتوان ترند. در صورتی که قانونی که برای این منظور در جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسیده است موقعیت آنها را با توجه به اعتقادات اسلامی مان و قانون اساسی و نیز تجربه های دیگر در وضع بهتری نسبت به زمان طاغوت قرار داده است. بهتر از این راهی را نمی توان پیش پای کسانی گذاشت که مدعی دفاع از مستضعفین هستند. سلامی به صراحت موضوع دفاع از تشکلات مستقل کارگری را همچون امری مؤثر در دفاع از حقوق اقشار کم درآمد جامعه پیش می کشد. سلام دیگر هیچ وقت به این بحث بازنگشت و از این طریق مناسب ترین خط واصل هدف خویش مبنی بر دفاع از مستضعفان و محرومان را با نیازهای مردم در جامعه ای که روشن بود برنامه ی اقتصادی اش بر صنعتی شدن استوار خواهد بود، از کف داد. سلام حتا کمترین توجه به تجربه ی جهانی در این زمینه مبنی بر اینکه وجود فعالیت تشکلات مستقل صنعتی و سندیکایی یگانه تجربه ی موفق در دفاع از حقوق کم درآمد ترین بخش فعال جامعه است، نشان نداد و در مقابل بر لزوم حضور خویش در قدرت همچون یگانه ضامن دفاع از مستضعفان با فشاری کرد.

بخش دیگری از سیاست سلام در دفاع از مستضعفان و تبهی دستان را می توان در انتقاد های این نشریه از سرمایه داری "باز یافت. اما در این زمینه نیز جنبه ی حاشیه ای مسئله، آنهم در حد مخالفت با بازگشت سرمایه داران فراری بیشتر توجه سلام را به خود جلب کرد تا سعی در ارائه ی سیاستی اقتصادی که در مقابل سیاست های اقتصادی دولت که بر سه محور خصوصی سازی، برداشتن سوبسید و جلب سرمایه های خارجی عرض اندام نماید. سلام کمترین توجه و برنامه ای برای تولید ثروت در جامعه ندارد و برقراری قسط و عدالتی را که مدعی دفاع از آن است، بیشتر در توزیع ثروت می بیند تا در تولید آن. سلام مصادره ی اموال سرمایه داران در سال های اول بعد از انقلاب را آغازی برای تعدیل اقتصادی، به شمار می آورد. اما بر این نظر است که اینکار کاملاً انجام نگرفته است. سلام، "تحقق عدالت اجتماعی را در استمرار مصادره ی اموال سرمایه داران" می داند. به این معنا، ادامه ی مصادره ی اموال سرمایه داران یگانه برنامه ی سیاسی قابل لمس است که سلام برای برقراری عدالت در جامعه در مقابل سیاست های دولت در راه اندازی چرخ تولید و بازسازی و نوسازی صنایع کشور، یعنی خصوصی سازی، جلب سرمایه های خارجی، اتصال صنایع ایران به زنجیره ی صنعت جهانی و... پیش می کشد.

سیاست های سلام برای دفاع از مستضعفان و تبهی دستان جامعه در مقابل به برنامه های اقتصادی دولت در زمینه ی خصوصی سازی، جلب سرمایه های خارجی و حذف سوبسید از برخی از مایحتاج های اساسی، برود محور استوار است. یکی بازگویی و تأکید شعارهای

در فاصله ی بین خرداد ۱۳۶۹ و خرداد ۱۳۷۰، در شرایطی که نشانه های روشنی از تغییر سیاست های عمومی کشور در رابطه با مهمترین مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشاهده می شد، سه نشریه ی جدید به جمع مطبوعات کشور پیوستند. این هر سه نشریه که پیش و پیش از هر چیز بر شناساندن خویش با نام "خط امام" اصرار ورزیدند با تکیه بر ارزش ها و معیارهای مشابهی به پیشواز وقایع اجتماعی سیاسی مهمی که در شرف وقوع بود رفتند. بیان به صاحب امتیازی و مدیر مسئولی سید علی اکبر محتشمی در خرداد ۶۹ و به شکل ماهنامه فعالیت خود را آغاز کرد و سلام و جهان اسلام هر دو به شکل روزنامه و به ترتیب به صاحب امتیازی و مدیر مسئولی سید محمد موسوی خورنویی، ۲۰ بهمن ۱۳۶۹ و صاحب امتیازی و مدیر مسئولی سید هادی خامنه ای در ۱۲ خرداد ۱۳۷۰ آغاز به انتشار نمودند. بیان متأسفانه بعد از فروردین ۱۳۷۱ و انتشار شماره ۱۸ شماره دیگر منتشر نشد و علاقمندان را از مطالعه ی یکی از سیاسی ترین نشریات کشور محروم کرد. جهان اسلام نیز که از همان آغاز انتشارش بود در کنار اعلام مواضع خود سعی کرد در نقش داوود رویایی بین دیدگاه های مختلف سیاسی نیز ظاهر شود. کمتر از سلام مشمول جامعه افتاد و در نتیجه برجم پیشبرد اهداف مشترک این سه نشریه به دست سلام افتاد.

ارزیابی زمینه ی اجتماعی

تمامی شواهد سیاسی در زمان انتشار اولین شماره ی سلام حاکی از این امر است که زمینه ی اجتماعی و امکانات سیاسی و تشکلاتی طرفداران اهدافی که سلام برای رسیدن به آن تلاش می کرد فراهم بود تا این جریان به یک سازمان سیاسی تبدیل شود.

۱- جهت گیری اجتماعی سلام به نفع مستضعفین می توانست مبنای برنامه ای سیاسی جهت بسیج تمامی کسانی باشد که در این دوران سخت خود را محروم از نعمات اجتماعی می دیدند. برنامه ای که می شد بخوبی بر اساس آن و به پشتیبانی طرفداران وسیعی که حول آن گرد می آمدند، سازمان سیاسی وسیع و مدبرانه تشکیل داد ۲- صاحب امتیاز و مدیر مسئول سلام از مسئولان مجمع روحانیون مبارز بود با توجه به دسترس به اعضا مجمع روحانیون مبارز، سازمانی که حول اهدافی که سلام و دو نشریه ی دیگر از آن دفاع می کردند شکل می گرفت می توانست از داشتن کادرهای سیاسی با تجربه که یکی از نشانه های یک سازمان سیاسی مدرن و کارآمد است، سود جوید.

۳- مقام سیاسی - اجتماعی مدیران مسئول سه نشریه ای که نام بردیم، حضور دائمی آنان در بین مسئولان بلند پایه ی نظام و احراز مقام های شاخچه در دولت و وجه در مجلس و قوه ی قضائیه از بدو پیروزی انقلاب، این هر سه را به افراد شناخته شده ای تبدیل کرده بود که طرفداران خود را در جامعه داشتند و دارند. به این معنا، تشکلی که حول برنامه ای جدی با هدف دفاع از مستضعفین تشکیل می شد نه فقط از وجود کادرهای سیاسی که از رهبران شناخته شده ای نیز می توانست برخوردار باشد.

با وجود تمامی این امکانات مناسب یعنی داشتن اهداف سیاسی و اجتماعی ملموس، کادرهای مجرب تشکلاتی و رهبران سیاسی شناخته شده جهت تأسیس یک حرکت سیاسی متشکل و فعالیت سازمان یافته و صریح و آشکار برای رسیدن به اهدافی که سلام برای دفاع از آنها منتشر می شد، دست اندر کاران سلام در این امر توان لازم را از خود نشان ندادند و در نتیجه یکی پس از دیگری شرایط مناسبی را که در سال های ۶۹ و ۷۰ از آن برخوردار بودند از کف دادند.

زمینه ی اجتماعی و سیاست های سلام

سلام فعالیت مطبوعاتی خود را از زمانی آغاز کرد که بخش مهمی از رهبران گروهی که از اکثریت در مجلس سوم برخوردار بود از شرکت در انتخابات مجلس خبرگان محروم ماندند. انتشار سلام پس از این واقعه و از جمله برای مقابله با تعمیم آن به سایر حوزه های فعالیت سیاسی و از آن جمله انتخابات چهارمین مجلس شورای اسلامی صورت گرفت.

به این معنا، سلام انتخابات مجلس خبرگان و شیوه ی برگزاری آن را آغاز پیکاری بین جناح های سیاسی فعال در جامعه به شمار می آورد که بنا بود نقطه ی پایانی و نیز اوج آن انتخابات مجلس چهارم باشد. خوف از دست دادن تمامی اهرم های قدرت باعث شد که تمامی اهدافی که سلام برای خود قائل شده بود در مقایسه با دفاع از حضور اجتماعی جناحی که این جریده به پشتیبانی از آن برخاسته بود، ثانوی جلوه کند. از این رو، سیاست هایی را که سلام برای رسیدن به اهدافش دنبال کرد باید در چهارچوب همین پیکاری برای ماندگاری در جامعه مورد بررسی قرار داد. دو حوزه ی اساسی و مشخص رومی توان در این زمینه باز شناخت: ۱- دفاع از مستضعفان، ۲- تأکید بر حفظ نیروهای حزب الله بر مصداق امور.

دفاع از مستضعفان و محرومان

حمایت از مستضعفان و محرومان جامعه مهمترین و ملموس ترین هدفی بود که دست اندر کاران سلام برای خود قائل شدند. اما سلام نه فقط کمترین سعی ای در

سلام با احترام بسیار و سعی صدر قابل تحسین به نتایج انتخاباتی کردن گذشت و به همه ی کسانی که توانسته بودند به مجلس راه یابند این موفقیت را تبریک گفت... از آن جهت که توانسته اند اعتماد اکثر آرای دهندگان را به خود جلب کنند. و به هواداران و علاقمندان خود نیز توصیه کرد که رقابتی انتخاباتی را محترم بشمارند و آنان هم نماینده ی منتخب اکثریت را نماینده ی خود و همه ی ملت ایران بدانند چرا که میزان رأی ملت است.

پس از انتشار اولین شماره ی سلام مردم برای انتخاب ۲۷۰ نماینده ی مجلس شورای اسلام به پای صندوق های رأی رفتند و علیرغم حضور بسیاری از کاندیداهای جناح اکثریت مجلس شورای سوم در این انتخابات، نه به افراد این جناح، بلکه به کسانی اعتماد کردند که نوید تغییر وضع موجود را به آنان می دادند. سطح نازل آراء کاندیداهای مجمع روحانیون مبارز در دور دوم تأیید شد و با وجود اینکه از آغاز دور دوم مبارزات انتخاباتی یعنی ۱۲ اردیبهشت، این مجمع دست به تبلیغ وسیع و همه جانبه زد، سرشناس ترین چهره های آن یعنی حجت الاسلام کربویی، خورنویی و محتشمی به مجلس راه نیافتند.

ارزیابی یک تجربه ی سیاسی

نتیجه ی رأی مردم چنان صریح بود که بسیاری آرزو کردند که کاش هیچ وقت این همه بحث حذف و رد و ابطال پیش نمی آمد و کاندیداتوری همه پذیرفته می شد. کاش به عوض اتلاف وقت و انرژی و اطمینان و اعتماد متقابل، افراد با بینش های مختلف به تبیین و تعیین بیش های اجتماعی و اقتصادی خویش می پرداختند و از این رهگذر هم خود را بهتر به مردم معرفی می کردند و هم جامعه با شناخت کافی از برنامه های سیاسی و اجتماعی مختلف به پای صندوق های رأی می رفت.

زمینه ی اجتماعی جامعه ی ما در رابطه با مبارزه ی پارلمانی و پذیرش چهارچوب انتخاباتی و قبول رأی مردم همچون صورت همگانی مبارزه ی سیاسی، در سال های اول پس از پیروزی انقلاب، بسیار ضعیف می نمود. طولانی ترین تجربه ای که جامعه در این زمینه داشت به سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ بازمی گردد. تازه شمار کسانی که در آن تجربه شرکت کردند به نسبت تعداد شهرنشینانی که در دهه ی ۱۳۶۰ در سیاست دخالت داده شدند، چندان اندک بود که انتقال آن تجربه را تقریباً غیر ممکن می ساخت. یادآوری اینکه جناح اکثریت مجلس سوم، خود در زمانی که بر سر قدرت بود چقدر به ندرت در جهت تحکیم تجربه های این نوع فعال بود، بی حاصل می نماید، زیرا این افراد همانقدر خود قربانی این زمینه بودند که مؤید و مؤکد آن. اما در آغاز دهه ی هفتاد این زمینه تغییر کرده بود، انقلاب و ده سال تجربه ی مداوم سیاسی به رشد اندیشه و کردار همزیستی در جامعه انجامیده بود. برپا به ی همین تغییر زمینه است که سلام به خود اجازه می دهد، تهمت و افترا و انگ زدن به جناح مخالف را در این دوران، شیوه ی سیاسی ای ناروا بداند و حال آنکه تحکیم نظامی انقلابی نه شیوه هایی از همین دست که در دهه ی پیش از آن بسیار نیز معمول بود، نبیند آزد. افزایش توان جامعه در پذیرش یک چنین دیدگاه هایی از همان نظر سنجی ها حداقل ده و حداکثر سی درصد نامها به لزوم آزادی احزاب و جمعیت ها در جامعه اختصاص داشت.

بحث بر سر این است که چطور گروهی که هم از طرفداران بسیار در جامعه برخوردار بود و هم در میان اهدافش موضوع های ملموس اجتماعی وجود داشت و هم از کادرها و رهبران با تجربه و شناخته شده ی سیاسی برخوردار بود نتوانست گونه ای نو و تا کنون دست نخورده ای از فعالیت سیاسی را پیش بکشد که به شکفتن و شکافتن زمینه ی عمل سیاسی بینجامد و زندانی چهارچوبی باقی بماند که حریف برای او تعیین کرده بود؟ پاسخ در این است که خواست درونی یک گروه، اگر در روش و شیوه های او بازنایانده نشود، سیاست نیست، هر چند هم که پذیرفته شود که این گروه درخواست خویش صادق است. تنها سیاستی که سلام برای دفاع از مستضعفان و واگذاری مسئولیت به رأی مردم پیش کشید دفاع همه جانبه از حضور کاندیداهای خویش در صحنه ی انتخابات مجلس چهارم بود. کسی اینجاد را حسن نیت جناح اکثریت مجلس سوم در دفاع از مستضعفان جامعه شک نمی کند، اما کدام سیاست مشخص و کدام پشتیبانی عملی از تشکل های مستقل کارگری و کارمندی، یعنی تنها نهاد های پشتیبانی جدی از کم درآمد ترین اقشار فعال جامعه را سلام و همفکرانش پیش کشیدند تا بتوان بر این حسن نیت نام سیاست گذاشت؟ همچنین کسی در واقعیت بودن خواست این جناح در پذیرش رأی مردم تردید ندارد، اما کدام عمل مشخصی در جهت پشتیبانی از آزادی تشکلات و احزاب از جانب اینان دیده شد تا پذیرفته شود که این افراد جز برای آزادی فعالیت خویش، برای آزادی فعالیت دیگران نیز اقدام می کنند؟ در نبود چنین سیاست هایی باور عمومی بر این باقی ماند که ماندگاری هر یک از دو گروه به ناچار به معنای رفتن دیگران است. پس مردم به گروهی رأی دادند که حداقل سعی کرد در زمینه ی اقتصادی پیوندی بین برنامه ی سیاسی خود و خواست مردم مبنی بر رفاه بیشتر ایجاد کند.

درباره اخلاق و سیاست

الف. منتظر

چون مجاهدین و سلطنت طلبان می‌نماید که آنان به این وسیله می‌توانند به هدف اصلی خود یعنی کسب قدرت برسند ادامه می‌دهد: و چنین نیز می‌کند. منظور نویسنده چیست؟ آیا این به آن معنی است که مجاهدین و سلطنت طلبان در هر صورت با استفاده از عقب افتاده ترین عادات این مردم و احیا و دوام آن بر سر قدرت خواهند آمد، و از امروز برای ایشان روشن است که با دلایل ذکر شده در آینده چه نیروی قدرتی سیاسی را در کشورمان به دست خواهند گرفت؟

از آنجایی که معتقد نیستم دوستان اکثریت به چنین بیش گویی‌هایی معتقد باشند حدس می‌زنم که جمله بندی فوق بر حسب نادقتی در جمله پردازی چنین برداشتی به دست می‌دهد. ولی از جانب دیگری می‌بایست متذکر شد که نیروهای سیاسی ذکر شده مسلماً تنها با تکیه بر عقب افتاده ترین عادات این مردم و احیا و دوام آن نیست که توده های مردم کشورمان را به خود جذب می‌کنند، نیرو می‌گیرند و برای کسب قدرت تلاش می‌ورزند. عوامل بسیاری در این میان نقش قاطع و مهمی ایفا می‌کنند، از جمله ضعف و عدم همکای جدی بین نیروهای چپ کشورمان یکی از آنهاست.

سیس نویسنده مقاله مورد بحث هر چه فریاد دارد بر سر مردم می‌زند و چنین می‌نویسد: مردم سالاری، قهرمان پرستی، نیاز و تکیه بر یک قدر قدرت که سایه و نماینده خدا نیروی زمین هست، بخشی از فرهنگی است که تاریخاً در ذهن مردم این سرزمین خشونت طبیعت و طایع - گل و بلبل!؟ - شکل گرفته و به باور آنان تبدیل شده است، باوری که همیشه توسط همین قدرتهای حاکم پاسداری و توجیه گشته است و اکنون نیز این نیروها با تکیه بر همین باورهاست که می‌خواهند به معبود خود یعنی قدرت برسند و در این میان بقول ظریفی "نداشتن حافظه تاریخی توسط مردم ما و یاد بر حقیقت داشتن حافظه ای که همیشه با نیرنگ و فریب پر شد و تاریخی که همواره جعل و تحریف گشته است، مدد کار اینان است.

واقعاً که نگارنده مقاله مورد بحث با این سبک تحلیل و نگارش "سیاست اخلاقی" را به نمایش گذاشته است. نویسنده اگر معتقد به سازگاری "سیاست" و "اخلاق" است می‌بایست با رعایت موازن اخلاقی که شایسته یک نیروی پیشرو است، در بسیاری از نظرات مطرح شده در مقاله مزبور تجدید نظر کرده و با استفاده از برچسب زدن به برخی از نیروهای سیاسی کشورمان و "عقب افتاده خواندن توده های رنج دیده کشورمان، به هر قیمتی سعی در اثبات نظرات خود و نزدیکی به برخی از نیروهای دموکرات" مورد نظرشان رانداشته باشد.

به امید آنکه نیروهای پیشرو و نمایندگان سیاسی و مترقی توده های مردم ایران با تقویت حافظه تاریخی خود هر چه بیشتر از تجارب و آموزش های تاریخی بهره مند گردند.

۱۳۷۳ مهر ۲۲

نقاط مختلف محتوی کلام را در پهلوی و با نارسا کرده اند، متذکر شویم، در اینجا نیز مسلماً خواننده با هوش منظور نویسنده را درک خواهد کرد که این ویژگی نمی‌تواند به زمان حال مربوط باشد، چون اتحاد جماهیر شوروی دیگر وجود ندارد. (حال به اصل مطلب و استدلال نویسنده بپردازیم. مسئله وابستگی حزب توده ایران به اتحاد شوروی استدلال تازه ای نیست و برای نخستین بار از جانب دشمنان توده های زحمتکش ایران به اشکال گوناگون مطرح شده و نگارنده امروز پس از تحولات بسیاری که در عرصه جهانی و نیروهای سیاسی کشورمان رخ داده است، تنها به بازگویی ناشایسته و دست و پا شکسته ای از آن گفته ها پرداخته است. رابطه و همکاری حزب توده ایران با حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را وابستگی به اتحاد شوروی اعلام کردن، اشتباهی محض و تاریخی است. همکاری حزب توده ایران با دیگر احزاب کمونیست در سطح جهانی بر پایه اعتقاد به اصل انترناسیونالیسم پرولتری بوده و اگر ما جوای حقیقت هستیم می‌بایست ریشه چگونگی روابط احزاب کمونیست را در چارچوب نظری موجود در زمان مشخص خود مورد بررسی قرار دهیم.

اگر بخواهیم به موضوع اصلی بپردازیم، یعنی سازگاری یا عدم سازگاری اخلاق و سیاست، می‌بایست در اینجا از نویسنده سؤال کنیم که آیا تمامی نیروهای چپ در سطح بین المللی در مجموعه "احزاب برادر" به شمار می‌آیند، و بسته به اتحاد شوروی بوده و جزء احزاب و نیروهای هستند که از سیاستی غیر اخلاقی پیروی می‌کردند؟ کدام سازمان، حزب و یا نیروی سیاسی در سطح جهانی و یا در کشور ما سبیل یک سیاست اخلاقی است؟ آیا نیرویی که در اتحاد سیاست خود، مرتکب اشتباه و یا خطایی می‌شود به صف احزاب و سازمانهای می‌پیوندد، که از سیاست "غیر اخلاقی" پیروی می‌کنند؟ جایگاه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این میان کجاست؟ نگارنده پس از برخورد با حزب توده ایران، مجاهدین و سلطنت طلبان که در مجموع فقدان برخورد علمی و سنجیده نقاط مشترک آن است، دلیل آنکه چرا توده مردم ایران از نظرات نیروهای مترقی مردم مکررات پیروی نمی‌کنند، قبل از هر چیز نه در اشتباهات سیاسی این نیروها، بلکه در "عقب افتاده ترین عادات مردم می‌داند. نویسنده پس از آنکه "عقب افتاده ترین عادات مردم را تکیه گاه نیروهای

تحول و تکامل آن و همچنین نقش سازگاری آن بر روی سیاست، برداشت یکسانی ندارند، همانطور که چنین اختلافی را در بین نمایندگان سیاسی آنان شاهد هستیم. اخلاق که با جامعه بوجود آمده و با آن نیز تغییر و تکامل می‌یابد، به عنوان شکل ویژه ای از آگاهی اجتماعی و مجموع دیدگاه های پیرامون عادات و آداب و رسوم و مقرراتی است که انسانها از آن در رفتار خود مورداستفاده قرار می‌دهند. اخلاق انعکاس مناسبات مشترک انسانهاست که لازمه هر جامعه ای است، و در عین حال عاملی مؤثر و فعال در شکل و محتوی اعمال انسانهاست. برای همه اعضای یک جامعه طبقاتی نمی‌تواند موازین اخلاقی به شکل برابر، یکسان و عمومی وجود داشته باشد. اخلاق در جامعه طبقاتی به شکل اجتناب ناپذیری خوی طبقاتی به خود می‌گیرد. انسانها خواسته یا ناخواسته دیدگاه های اخلاقی شان را از مناسبات عملی موجود و حاکم بر جامعه به دست می‌آورند، از مناسبات اقتصادی که در آن تولید و مبادله می‌کنند. نگارنده مقاله منتشره در نشریه "کار" در مورد درک ویژه خود پیرامون مفهوم "اخلاق" سکوت کرده و از برخورد تحلیلی طبقاتی اجتناب می‌کند. متأسفانه ایشان در آنجا که صلاح می‌بیند نسبی گرا و در جایی دیگر مطلق گرامی می‌شود.

نگارنده در برخورد با نیروهای سیاسی ایران از حزب توده ایران نام برده و سیاست این حزب را "یکی از نشانه های بارز آن چیزی "اعلام می‌کند که نام آن را می‌توان "سیاست غیر اخلاقی" گذاشت. جالب آنکه در اینجا نیز ایشان معتقد است که نیاز به توضیح مفصلی جهت اثبات ادعای یاد شده نیست و تنها به این دلیل که "اما بد نیست" به یکی از منغی ترین ویژگی های حزب یاد شده اشاره شود به بیان این ویژگی منفی بسنده می‌کند. اگر در مقاله مورد نظر به این منغی ترین ویژگی نیز اشاره ای نمی‌شد، خواننده می‌بایست سیاست این حزب را سبیل یک سیاست غیر اخلاقی می‌نامید، بدون آنکه کوچکترین دلیلی از قلم نگارنده در دست داشته باشد.

در ادامه می‌خوانیم که "یکی از منغی ترین ویژگی های حزب توده ایران وابستگی به اتحاد شوروی است. (مادر اینجا قصد نداریم که وارد جزئیات شویم و وسطه سطر اشتباهات دستوری موجود در این مقاله را، که در

در شماره ۹۳ نشریه "کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به تاریخ ۶ مهر ۱۳۷۳، مقاله ای تحت عنوان "بحثی درباره اخلاق و سیاست" به امضای آقای حسن جعفری به چاپ رسیده است. از آنجایی که نگارنده این مقاله خود در عمل موازن اخلاقی را به زیر پا گذاشته و تنها به سطحی نگری و تهمت زدن به برخی از نیروهای سیاسی بسنده کرده است، لازم می‌دانم به عمده ترین نکات و نظرات مطرح شده در این مقاله بپردازم.

"آیا اصولاً "سیاست" و "اخلاق" با هم سازگاری دارند؟ آیا می‌توان از چیزی به عنوان "اخلاق در سیاست" یا "سیاست اخلاقی" نام برد؟" این سئوالی است که نویسنده مقاله ذکر شده موضوع اصلی بحث خود قرار داده و در جستجوی پاسخ به آن با سردرگمی از پاسخی صریح و روشن طفره می‌رود. وی در ابتدا می‌نویسد: "کسانی که اساساً در سازگاری اخلاق و سیاست تردید دارند، با این اصل علمی و بدیهی به خوبی آشنا نیستند که هیچ چیزی مطلق نیست. برخلاف نظر نویسنده، این استدلال که "هیچ چیزی مطلق نیست" نه علمی و نه بدیهی است. آیا منظور از چنین حکمی این است که مجموعه پدیده های عینی و ذهنی، شناخت انسان از محیط پیرامون خود و قوانین حاکم بر طبیعت و جامعه، روابط موجود بین مغز و مفاصل عینی و غیره همگی نسبی هستند و هیچ چیزی مطلق نیست؟" به اجمال می‌توان گفت: حکمی که ایشان صادر کرده اند نه دقیق است، نه روشن و نه علمی. اگر منظور حقایق مطلق و نسبی است، بنابراین حقایق مطلق بسیارند و فقط در یک علم کاملاً انتزاعی نظیر ریاضیات نیست که می‌توان نسبتاً به نتایج مطلق رسید. حتی بسیاری از حقایق نسبی نیز عناصری از حقایق مطلق را در بر می‌گیرند. تمیز قائل شدن بین حقایق مطلق و نسبی یکی از مسائل مهم در رابطه با درک پروسه تکامل شناخت انسان است. با عدم درک صحیح از مفاهیم ذکر شده، به طور عمده و دو خطر جدی مطرح می‌گردد: نسبی گرایی مطلق و یا مطلق گرایی مطلق.

نگارنده با درکی غلط از مفهوم شناخت و مفاهیمی چون "مطلق و نسبی" به این نتیجه می‌رسد که "سازگاری یا ناسازگاری اخلاق و سیاست نیز نسبی است. این تنها نتیجه ای است که ایشان در این بحث به دست داده اند. حال آنکه این نسبت دارای چه حد و مرزی است و ایشان چه درکی از مفهوم نسبت دارند، سئوالی است که خواننده خود به آنها می‌بایست پاسخ دهد. نویسنده حتی تعریفی از مفهوم "اخلاق" که مورد بحث است، بدست نمی‌دهد و می‌نویسد که ما "عام ترین و پسنیده ترین معنی ای از آن که در فرهنگ مردم ما وجود دارد را در نظر می‌گیریم و "سیاست غیر اخلاقی" را نیز چنین تعریف می‌کند: "شما این معانی مجازات کردن، "کلک زدن" و خلاصه "پدرمادرنداشتن" را کنار هم بگذارید. به طور قطع توده مردم کشورمان از مفهوم "اخلاق"، سیر تغییر و

فرجام شکست...

ادامه از صفحه ۶

مجازا تقسیم کرد: ۱- زمان گذشته، که چون نیرویی مطلق العنان بر تمام اجزاء و اشخاص داستان سایه گسترده و کسی را از جنبه آن گریزی نیست. ۲- زمان حال که چیزی نیست جز فرصتی که صرف وورفتن بنا گذشته و رویدادهای گذشته می‌شود.

از آینده و تصمیم گیری و طرح ریزی برای آن خبری نیست. اشخاص در هزارتوهای گذشته خود آنچنان سرگرداند که راهی زمانی برای آینده پیدا نمی‌کنند. هوشنگ گلشیری از همه امکانات فنی داستان نویسی استفاده می‌کند تا نشان دهد گذشته چگونه با قدرت تمام در ذهن انسان به حیات خود ادامه داده و از این راه بر رفتار او در محیط پیرامون تأثیر می‌گذارد. گذشته و حال افراد دو کیفیت مجزا از همدگر نیستند و سیالیت ذهن نویسنده، آنچنان که در سازه احتجاب، گذشته و حال را چنان درهم جوش می‌دهد و عبارتهای بی‌پایه از نظر زمانی از هم متفاوتند بسان تار و پودی چنان به هم می‌بافد که دیگر به آنچه که در ظاهر مربوط به گذشته است و آنچه که به طور واقعی جریان دارد نه به عنوان دو واحد مختلف، بلکه بسان یک کیفیت بهم پیوسته و درهم جوش خورده می‌توان نگریست.

خواننده، داستان را می‌خواند و در انبوه خاطرات دور و نزدیک و دهلایهای پیچیده درون

زبان گلشیری با پیچیدگی های خاص خود را به نحو مطلوبی بر محتوی تطبیق می‌کند. واقعیت این است که گلشیری بی‌پیرایه می‌نویسد و زبانش عمدتاً از زبان محاوره ای است با جمله های کوتاه، گاه بسیار کوتاه و در بسیاری موارد حتی یک کلمه ای. دلایل پیچیدگی زبان نویسنده را باید بیش از هر چیز در درهم تنیدگی زمانها و افعال و هم چنین عدم امکان شناخت سریع فاعل و یا فاعلان یک جمله دید تا آنجا که گاهی خواننده برای تمیز افراد و زمانها از هم دیگر با ابهامات و در دسر فراوان روبروست. با این وجود گلشیری می‌داند که این زبانی است که با مکان، اشخاص داستان و نیز حادته مطابقت دارد.

زبان نویسنده گاهی نیز افت می‌کند و به نشر روزنامه نگارانه می‌رسد، چیزی که از ارزش ادبی کتاب می‌کاهد: تری راه حمید گفت: اینجا جاهای خلوتش خطرناک است، فاشیستها هفته پیش، ساعت پنج صبح، یک ایرانی را توی مترو زده اند، بانوک چکمه زده اند زیر کاسه زانوش. - چرا؟ - چون فکر می‌کنند با اشتغال هر خارجی یک آلمانی بیکار می‌شود، بیشتر هم به ترکه پله کرده اند حمید گفت: ترکه اغلب با هم حرکت می‌کنند، یک دسته با هم، ما نمی‌توانیم. (صفحه ۱۹)

با این وجود "آینه های دردار" گلشیری اثری است منسجم و زیبا و تک تک اجزاء آن ارتباطی درونی دارند و بی‌شک آینه ای است در درام که اثرات و عوارض شکست را با همه جزئیاتش در پشت درهای خود ثبت کرده است.

بخواهمیم به عبارتی به معنای پذیرش هر آنچه هست و قناعت به آن قلمداد کنیم بازم سخنی می‌توانیم این مفهوم را در مورد ابراهیم بکار ببریم. می‌کند. (صفحه ۱۴۹)

ابراهیم اما کسی است که می‌خواهد از باخت فرار کند و بقول خودش به تمهیدی "این شکست را به برد تبدیل کند. راستی به آن هنگام که باخت بر تمام فضا سایه افکنده و اثرات آن از تمام زوایای هستی انسانها بارز و مشهود است گلشیری می‌خواهد به چه صورتی باخت را به برد مبدل کند؟ ابراهیم از زبان گلشیری به صراحت پاسخ می‌دهد: او حالا قانع است. (صفحه ۱۲۵) و فکر می‌کند هر کس فقط تمهید به همان منظور خودش باید باشد، دینش را به همین چیزها که دور و برش هست باید ادا کند. (صفحه ۱۲۲) و اگر کسی "حق همین چیزها را خوب ادا کرده باشد، من فکر می‌کنم نباخته" (صفحه ۱۲۶)

ابراهیم بعد از گذشته مبارزه جوانانه اش و شکست و ناگامی به فکر صلح با جهان رسیده است و "صلح با جهان بیدار کردن جزء جزء جهان است." (صفحه ۱۳۷) آری. می‌توان به جزئی از جهان چسبید و به آن دل خوش کرد. می‌توان دندانهای نیشی مینا را دید و حظ کرد، می‌توان بر "چال پایین گونه زنی، خالی را دید و ذرمورد آن به وفور نوشت. همه اینکارها را ابراهیم می‌کند. با این وجود این رفتار او گویا که با طبیعتش سازگار نیست. ابراهیم تنها از سرناچاری و درماندگی به صلح با جهان رسیده است. وی پاتنه نیست و نیست و سازش و با طبیعت موجود از اینجا ریشه نمی‌گیرد و اگر رمانتیسیم را

طبع هر خواننده ای کند، چه در آن صورت "آینه های دردار" دچار تناقضی جدی می‌شود. او حتی در انتهای داستان نیز به خواننده قول نمی‌دهد که قهرمانانش که به عبارتی ضد قهرمان هستند دست به عملی خارق العاده زده و تصمیم دیگری بگیرند. هوشنگ گلشیری "آینه های دردار" را با خستگی روحی و جسمی ابراهیم و صنم با نو در آخر با خواب آنها پایان می‌برد و این کاروی بدون تردید بسیار آگاهانه صورت گرفته است: "صنم گفت: شب بخیر. ابراهیم گفت: شب بخیر. (صفحه ۱۵۸)

گلشیری در قسمت عمده کتاب به برخورد ابراهیم و صنم بانو و گفتگوهای آنان می‌پردازد تا خواننده را با گوشه هایی از عشق دوران جوانی آنها آشنا کند. خواننده به عینه درمی‌یابد که اینک این عشق نیز به گذشته پیوسته است و جز در خاطرات آنها، در جایی دیگر نمی‌توان جست. ابراهیم در جواب صنم بانو، که از او می‌خواهد از برگشت صرف نظر کرده و در پاریس بماند می‌گوید: "خوب، البته توهم سمنو هستی هم صنم و هم صنم بانو، ولی راستش من نمی‌توانم آن یکی را، آن را که همیشه دیده ام حی و حاضر ببینم" (صفحه ۱۵۱)

آنها به راه های متفاوت کشانده شده اند و مسیر حوادث هر کدام را طور دیگری بار آورده است. با شکست و باخت نیز هر کدام برخوردی دگرگونه دارد. صنم بانو باخت را می‌پذیرد و به آن گردن می‌نهد. او از فکر تغییر دادن جهان دست برداشته و سعی می‌کند خود را با مشغولیتش سرگرم کند. از خیر ریشه ها گذشته است و بهتر بگوییم با

بیانیه در باره سازمان مجاهدین

حزب دموکراتیک مردم ایران، نهضت مقاومت ملی ایران و جمهوری خواهان ملی ایران در آبان ماه سال جاری با انتشار بیانیه ای با عنوان فوق به اظهار نظر در مورد مجاهدین پرداخته اند. در بخش هایی از این بیانیه آمده است:

۱- سازمان مجاهدین خلق سازمانی شبه نظامی است که بر اساس یک ایدئولوژی توتالیتر شکل گرفته است. تروریسم که شکل اصلی مبارزه این سازمان پیش از انقلاب بود، پس از سیام خرداد ۱۳۶۰ ابعاد گسترده تری می یابد و سازمان بسوی عملیات مسلحانه نظامی، تخریب منابع اقتصادی و تشکیل ارتش در خاک عراق و همکاری اطلاعاتی و نظامی با دولتی رو می آورد که آغازگر جنگی تجاوزکارانه علیه ایران بود.

تا امروز دوران گشایش و انبساطی که مجاهدین از آن سخن می گویند چیزی جز برزخ گذاری جلسات تشریفاتی و تبلیغاتی نبوده است و از گشایش سیاسی در گفتار و رفتار آنان نشانه ای چشم نمی خورد. نازمانی که تغییرات اساسی در افکار و اعمال و ساختار درونی سازمان مجاهدین پدید نیاید، ادعای دموکراسی و آزادی خواهی آنان را نمی توان جدی گرفت.

۲- ما شورای ملی مقاومت را در حال حاضر پوششی ساخته و پرداخته

سازمان مجاهدین خلق می دانیم که از استقلال شخصیت و رای در مقابل این سازمان برخوردار نیست. ... نیروها و افراد مستقل صاحب رای مدتهاست از شورای ملی مقاومت جدا شده و با پس از انتقاد کنار گذاشته شده اند و روابط سازمان مجاهدین با آنان خصمانه است. ...

۳- تعیین رئیس جمهور و رؤسای کمیسیون ها که وزیران دولت آیند مجاهدین اند همه بر اساس محاسبات اشتباه این سازمان از شرایط داخلی و بین المللی صورت گرفته است. مجاهدین خلق که دیگر زمینه ای در کشور ندارند می خواهند با این ترغیبها حمایت بین المللی را برای کسب اعتبار بیشتر بدست آورند.

تغییر نظام سیاسی در ایران و تعیین بالاترین مقامات اجرایی کشور تنها با مبارزه گسترده و متحد مردم با تمایلات گوناگون سیاسی امکان پذیر است و اساساً منوط به رأی آزاد و مجلس منتخب مردم یا شرکت همه نیروهای سیاسی است که اساس یک نظام مردم سالار را پدید می آید. ...

۴- این سازمان سالها تلاش نموده تا با توسل به فزونی قربانیان خود و تقدیس شهدای سازمان، مشروعیت خود را نه از پایگاه مردمی و نه از افکار و عقاید و روش خود بلکه از دریای خون و خشونت قربانیان و

جوانانیتکه در اثر کشت و کشتار رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و ظلم و خشونت بی حساب آن رویارویی و مقابله به مثل سازمان مجاهدین با این نظام خود کامه جان خود را از دست داده اند، کسب کند. مسعود رجوی و رهبری سازمان مجاهدین خلق، متأسفانه در تشدید خشونت در جامعه و توسل به عملیات نظامی حساب نشده و ماجراجویانه و فرستادن جوانان شریف مجاهد به قتلگاه، مسئولیت بزرگی بردوش می کشند.

اکنون که دیده اند در میان مردم صرف شهادت حقانیت نمی آورد، می کوشند مشروعیت رئیس جمهوری خود فرموده را از سالنهای کنسرت به زور ساز و ضرب بدست آورند و آنرا به حساب انتخاب مردم ایران بگذارند. ...

شما سازمان مجاهدین خلق هم چنان سیاست قهر و نفی و طرد را اساس مقابله با مخالفین، سیاسی و منتقدین داخل و خارج سازمان خود قرار داده است. بجای استدلال و ایجاد فضای گفتگوی سالم و تفاهم، حربه ناسزا و بدگویی ابزار مقابله این سازمان با منتقدین اصولی و سیاسی می باشد. تهمت و افترا دشنام زبان و فرهنگ رایج این سازمان است. سازمانی که در ایورسیون چنین روشی را در برابر دگران بدشان سیاسی پیش می گیرد اگر روزی به قدرت رسید جایی برای

پیش به سوی سندیکاهای مستقل کارگری

کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران به تاریخ ۱۸ آبان ماه ۷۳ (۹ نوامبر ۹۴) اطلاعیه ای با عنوان فوق درباره سیزدهمین کنگره فدراسیون جهانی (اف. اس. ام) منتشر کرده است. در زیر بخش هایی از این اطلاعیه رami خوانید.

سیزدهمین کنگره فدراسیون سندیکائی جهانی از تاریخ (یکم تا پنجم آذرماه جاری - کار) ۲۲ تا ۲۶ نوامبر در شهر دمشق، پایتخت کشور سوریه تشکیل خواهد شد. نوسازی فدراسیون بر پایه دموکراسی و همچنین حفظ استقلال سندیکائی و جلوگیری از مداخله احزاب در امر آن، از جمله اهداف این کنگره اعلام شده است. ...

کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران، بعنوان ادامه دهنده آرمان های شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران، که از پایه گذاران فدراسیون سندیکائی جهانی محسوب می شود، در این کنگره نیز مانند دیگر کنگره ها و جلسات اف. اس. ام بعنوان عضو رسمی شرکت می کند. ...

کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران، بعنوان ادامه دهنده آرمان های شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران، که از پایه گذاران فدراسیون سندیکائی جهانی محسوب می شود، در این کنگره نیز مانند دیگر کنگره ها و جلسات اف. اس. ام بعنوان عضو رسمی شرکت می کند. ...

کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران، بعنوان ادامه دهنده آرمان های شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران، که از پایه گذاران فدراسیون سندیکائی جهانی محسوب می شود، در این کنگره نیز مانند دیگر کنگره ها و جلسات اف. اس. ام بعنوان عضو رسمی شرکت می کند. ...

کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران، بعنوان ادامه دهنده آرمان های شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران، که از پایه گذاران فدراسیون سندیکائی جهانی محسوب می شود، در این کنگره نیز مانند دیگر کنگره ها و جلسات اف. اس. ام بعنوان عضو رسمی شرکت می کند. ...

کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران، بعنوان ادامه دهنده آرمان های شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران، که از پایه گذاران فدراسیون سندیکائی جهانی محسوب می شود، در این کنگره نیز مانند دیگر کنگره ها و جلسات اف. اس. ام بعنوان عضو رسمی شرکت می کند. ...

کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران، بعنوان ادامه دهنده آرمان های شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران، که از پایه گذاران فدراسیون سندیکائی جهانی محسوب می شود، در این کنگره نیز مانند دیگر کنگره ها و جلسات اف. اس. ام بعنوان عضو رسمی شرکت می کند. ...

توضیح آقای بابک امیر خسروی

آقای بابک امیر خسروی توضیحی برای ما فرستاده و خواهان درج آن در نشریه کار شده اند. در بخشی از نامه ایشان چنین آمده است:

در شماره ۹۵ نشریه کار، چهارشنبه ۱۴ آبان ماه، تحت عنوان "سخنرانی پیرامون موانع اتحاد ایورسیون گزارش کوتاهی از مراسم کنفرانسی که در ۱۵ کتبره به ابتکار کمیته همبستگی هامبورگ برگزار شده بود جلب توجه می کند. در این گزارش پس از اشاره به سخنرانی بابک امیر خسروی و فرهاد فرجاد که به بیان دیدگاهها و نظرات خود در زمینه رکود بحث پرداخته اند، اشاره ای به صحبت من شده است. یادآوری کرده ام که من در توضیح مشکلات و موانع، عدم توفیق در کارها را به عواملی نظیر "گروه گزایی، قدرت طلبی، منافع فردی و سابقه روابط احزاب و سازمان ها با یکدیگر" مربوط ساخته ام. پس از ذکر مطالب بالا اضافه کرده ام که: "بابک امیر خسروی) حزب دموکراتیک مردم ایران را از این گرایش ها تقریباً میرا دانست و بخش عمده ای از تلاش در راه اتحاد

مشترکین گرامی، دوستان خواننده!

روزنامه کار درآمدی جزو جوه حاصل از اشتراک و کمک های مالی ندارد. تا خرید پرداخت وجه اشتراک، روزنامه را با دشواری مواجه می سازد. خواهشمندیم با ارسال به موقع وجه اشتراک به انتشار منظم و به موقع "کار" باری رسانید.

مشترکین گرامی

هنگام ارسال وجه برای تمدید اشتراک و در مکاتبات خود با امور مشترکین حتماً به شماره اشتراک خود اشاره فرمائید. این شماره در برگه مخصوص ارسال نشریه جلوی REF.No چاپ می شود. لطفاً دقت کنید که از شماره ۹۶ شماره های اشتراک تغییر یافته اند و شماره های جدید باید مورد استفاده قرار گیرند.

هرگونه اصلاح لازم در آدرس خود را به ما اطلاع دهید

باتشکر، امور مشترکین

پاکار™ همگاری کنید!

نگرانی از سرنوشت پناهندگان ایرانی

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، حزب رنجبران ایران، دفنرهای کارگری سوسیالیستی، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، فعالین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - خارج کشور، کمیته نذارک برای کنفرانس وحدت و بخشی از کادرهای اقلیت با انتشار اطلاعیه ای مشترک خطاب به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، سازمان عفو بین الملل، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و کلیه احزاب، سازمانها و شخصیتهای مترقی ایرانی و خارجی نسبت به سرنوشت پناهندگان ایرانی مقیم ترکیه اظهار نگرانی کرده اند. در زیر متن این اطلاعیه از نظر شما می گذرد.

همانطور که اطلاع دارید مخالفین سیاسی رژیم جمهوری

<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/></p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/></p> <p>نام:</p> <p>آدرس: Name:</p> <p>Address:</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نماید.</p>	<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا:</p> <p>ششماه ۴۵ مارک</p> <p>یکسال ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>ششماه ۵۲ مارک</p> <p>یکسال ۱۰۴ مارک</p> <p>GER 3 DM</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.</p> <p>دارنده حساب: I.G. e.v. آدرس: I.G. e.v.</p> <p>شماره حساب: Postfach 260268 22442032</p> <p>کد بانکی: 50515 Köln 37050198</p> <p>GERMANY Stadtparkasse Köln</p> <p>Germany</p> <p>شماره فکس: Fax: 0049 _ 221 _ 3318290</p>
--	---	---

درگیری خونین در غزه

ادامه از صفحه ۱۲



به دنبال نضرات جوانان وابسته به گروه‌های بنیادگرا در غزه، پلیس فلسطین بر روی آنان ائتس کشود. در این حادثه سه نخستین درگیری خونین میان حکومت خودمختار و بنیادگرایان بود. دست کم ده نفر کشته و بسیاری زخمی شدند.

اسلامی پلیس فلسطین را متهم کرد که قتل عام به راه انداخته است. جهاد اسلامی در بیانیه‌ای خاطر نشان کرد نوار غزه در آستانه انفجار است، و تاکید ورزید: مردم فلسطین نمی‌گذارند که قتل عام شوند، حتی به دست پلیس فلسطینی.

نبیل شعث وزیر برنامه ریزی و همکاری های بین المللی حکومت فلسطین اعلام کرد گفتگوهای اسرائیل و فلسطین در مورد گسترش حوزه خودمختاری که به علت اختلاف نظر پیرامون انتخابات و ابعاد عقب نشینی نیروهای اسرائیلی از مناطق اشغالی متوقف شده بود. روز ۲۰ آبان در قاهره از سر گرفته می‌شود. یاسر عرفات رئیس حکومت خودمختار، روز ۲۴ آبان یادآوری کرد که قرار بود انتخابات شورای خودمختاری، در تابستان گذشته برگزار شود، و مسئولیت تاخیر در انجام آن را متوجه اسرائیل دانست. عرفات افزود تمایل او این است که این انتخابات ظرف یک ماه انجام شود. یک روز قبل از اظهارات عرفات، شیمون پرزویز خارجه اسرائیل ضمن اشاره به اختلاف نظرها پیرامون جزئیات برگزاری انتخابات، حدود اختیارات شورایی که قرار است برگزیده شود و نیز نقش بنیادگرایان مخالف صلح، اظهار امیدواری کرده بود که رای گیری در اوایل تابستان سال آینده انجام گیرد. عرفات در سخنان خود گفت باید شرکت در انتخابات برای همه فلسطینی‌ها، از جمله بنیادگرایان، آزاد باشد. عرفات افزود اسرائیلی‌ها باید به دمکراسی احترام بگذارند.

ملک حسین پادشاه اردن ضمن دفاع مجدد از قرارداد صلح با اسرائیل، از شهروندان اردن که بیش از نیمی از آنان فلسطینی الاصلند خواست از موضع اعتماد به اسرائیل برخوردار شوند. پادشاه اردن در یک نطق ۵۵ دقیقه‌ای که روز ۲۴ آبان از تلویزیون کشورش پخش شد، کوشید نگرانی‌ها از این بابت را که اسرائیل نتواند در نتیجه قرارداد با اردن، این کشور فقیر را تحت سلطه

اقتصادی خرد قرار خواهد داد، و بر حیات اجتماعی جامعه مسلمان اردن تأثیرات فرهنگی نامطلوب خواهد گذاشت، زایل کند. ملک حسین برای نخستین بار بنیادگرایان اسلامی اردن را مورد حمله قرار داد و گفت: اسلام نمی‌تواند مخالف صلح باشد. وی به بنیادگرایان هشدار داد دولت اردن نخواهد گذاشت متنازبه تریبون سخنان غیرمسئولانه به نام اسلام تبدیل شود. ملک حسین به طور تلویحی از سوریه نیز انتقاد کرد و گفت حال که اردن بخشی از حقوق آبی خود را از یکی از طرف‌های ذینفع (اسرائیل) پس گرفته است، امیدوار است که در یک صلح جامع. نه همه حقوق آبی خود دست یابد. اردن مدعی است مقدار آبی که سوریه قبل از ورود رودخانه مرزی پریمیک به خاک اردن از این رود می‌گیرد، بیش از مقداری است که حق سوریه است. انتقاد تلویحی پادشاه اردن از سوریه، ظاهراً پاسخی به انتقادات دولت دمشق از قرارداد صلح اسرائیل و اردن است.

روز دوشنبه ۲۳ آبان پرزویز خارجه اسرائیل بنیادگرایان اسلامی را تهدید به حملات نظامی علیه مواضع آنان در مناطق خودمختار کرد. وی در رادیو اسرائیل گفت: اگر از طریق سرویس‌های مخفی به اطلاعات دقیق دست یابیم، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد که در نوار غزه عملیات نظامی علیه حماس و جهاد اسلامی انجام دهیم. پرزافزود مهم‌ترین وظیفه سرویس‌های مخفی اسرائیل، جمع‌آوری اطلاعات درباره تروریست‌های بنیادگراست. این اظهارات وزیر خارجه اسرائیل پس از حادثه‌ای بود که طی آن در روز ۲۰ آبان، یک فلسطینی عضو جهاد اسلامی در غزه، خود و سه سرباز اسرائیلی را با بمب منفجر کرد. به گفته یاسر عرفات رئیس حکومت خودمختار، به دنبال این واقعه پلیس فلسطین در یک عملیات گسترده تجسس، ۱۳۶ نفر از اعضای جهاد اسلامی، از جمله عبدالله الشامی رهبر این سازمان را دستگیر کرد. به گفته مقامات اسرائیلی، از هنگام

سرفراری حکومت خودمختار فلسطینی ۴۲ اسرائیلی قربانی حملات تروریستی شده‌اند. یاسر عرفات به دنبال حادثه ۲۰ آبان نسبت به وقوع حملات مجدد تروریستی هشدار داد و گفت نهاد های حکومت خودمختار همه توان خود را برای جلوگیری از این حملات انجام می‌دهند، اما این عملیات تروریستی احتمالاً تادمتی ادامه خواهد یافت. در روز دوشنبه ۲۳ آبان در اسرائیل اعلام شد که این کشور در ماه‌های اخیر به اسکان یهودیان در مناطق اشغالی ادامه داده است. اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل روز ۲۲ آبان در اجلاس کابینه این کشور از مقامات حکومت خودمختار فلسطین خواست دست به خلع سلاح حماس و جهاد اسلامی بزنند. رابین مدعی شد عرفات می‌تواند علیه تروریسم بیش از آنچه تا کنون انجام داده است، اقدام کند. رابین گفت روند صلح باید ادامه یابد، اما باید هر گام آن را مستحکم

خبرهای کوتاه از سراسر جهان

اجلاس آپک در اندونزی

سران ۱۸ کشور عضو سازمان همکاری های اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام (آپک) در اندونزی گرد آمدند تا در مورد حذف موانع گمرکی بین کشورهای عضو به تبادل نظر بپردازند. به موجب طرح هایی که آمریکا و استرالیا، فعال ترین اعضای آپک تهیه کرده اند، قرار است حذف موانع گمرکی در این سازمان از سال ۲۰۰۰ میلادی آغاز شود. علاوه بر آمریکا و استرالیا، ژاپن، چین و سایر کشورهای خاور و در آپک حضور دارند.

موفقیت طرفداران پیوستن سوئد به اتحادیه اروپا

در فرآیند می که در سوئد پیرامون پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا برگزار شد، طرفداران عضویت سوئد در این اتحادیه با اکثریت ضعیفی پیروز شدند. کارلسون نخست‌وزیر سوئد برای تصویب پیوستن سوئد به اتحادیه اروپا فعالیت زیادی کرده بود. احزاب چپ سوئد در این فرآیند به عضویت در اتحادیه اروپا رأی مخالف دادند.

آتش بس در آنگولا

دولت آنگولا و شورشیان اوپیتا توافق کردند که از شامگاه ۲۵ آبان در این کشور آتش بس برقرار شود. قرار است از اول آذرماه، این آتش بس صورت رسمی به خود گیرد. امضای قرارداد صلح بین دولت اوپیتا چند بار به علت درگیری های مجدد بین نیروهای طرفین به روز یکشنبه ۲۹ آبان موکول شد. در هفته های اخیر نیروهای دولتی آنگولا در نبرد با اوپیتا به موفقیت هایی دست یافتند و از جمله مقر اصلی اوپیتا در جنوب آنگولا را به تصرف خود در آوردند. با این حال رئیس جمهور آنگولا تحت فشار ماندن رئیس جمهور آفریقای جنوبی و مرگا به رئیس جمهور زیمبابوئه آتش بس را پذیرفت.

۱۷ سندیکای بریتانیا...

ادامه از صفحه ۱

مهم دارد. ما حمایت و همبستگی کامل خود را با همه نیروهای دمکرات ایرانی که در راه پایان دادن به نقض حقوق بشر و حقوق دمکراتیک و برای برقراری یک نظام حکومتی واقعاً پلورالیستی مبارزه می‌کنند که ضامن پیشبرد دمکراسی و عدالت اجتماعی در کشور باشد، اعلام می‌کنیم.

آلن جیکینسون دبیر کل اتحادیه کارکنان بخش دولتی (UNISON) با ۱۴۵۷۷۶ عضو
بیل موریس دبیر کل اتحادیه کارگران حمل و نقل و بخش عمومی (TGWU) با ۹۲۹۱۰۷ عضو
راجر لیزدیر دبیر کل اتحادیه تولید، علوم و مؤسسات مالی (MSF) با ۵۱۶۰۰۰ عضو
لوا آمز دبیر کل جامعه متحد مهندسان راه، آهن و کارکنان آتش نشانی (ASLEF) با ۱۷۳۸۶ عضو
راجر بولتون دبیر کل اتحادیه رادیو تلویزیون، هنر، سینما و تئاتر (BECTU) با ۳۰۰۶۲ عضو

جو ماریونو دبیر کل اتحادیه کارگران نانوايي و مواد غذایی (BAFU) با ۳۱۱۱۰ عضو
جان ایکن دبیر کل اتحادیه صنایع برقی (EPIU) با ۵۱۰۰۰ عضو
کن کارموند دبیر کل اتحادیه آتش نشانان (FBU) با ۵۲۰۸۰ عضو
تونی دابینز دبیر کل اتحادیه گرافیک، کاغذ و رسانه ها (GMPU) با ۲۲۶۸۷ عضو
دنيس سکاره دبیر کل اتحادیه نوازندگان (MU) با ۳۳۴۲۷ عضو

جان آکر دبیر کل اتحادیه مدرسان دانشگاه ها و مدارس عالی (NATFHE) با ۷۶۷۲۲ عضو
جان شلتن دبیر کل اتحادیه ملی کارمندان (NUCPS) با ۱۱۲۰۸۰ عضو
ر. وارد دبیر کل اتحادیه ملی کارگران نقل و حرکت (NULMW) با ۲۲۰۰۰ عضو
جورج برامول دبیر کل اتحادیه ساختمان (UCATT) با ۱۳۵۸۷۸ عضو
آلن جانسون دبیر کل اتحادیه کارکنان ارتباطات (UCW) با ۱۶۶۰۰۷ عضو

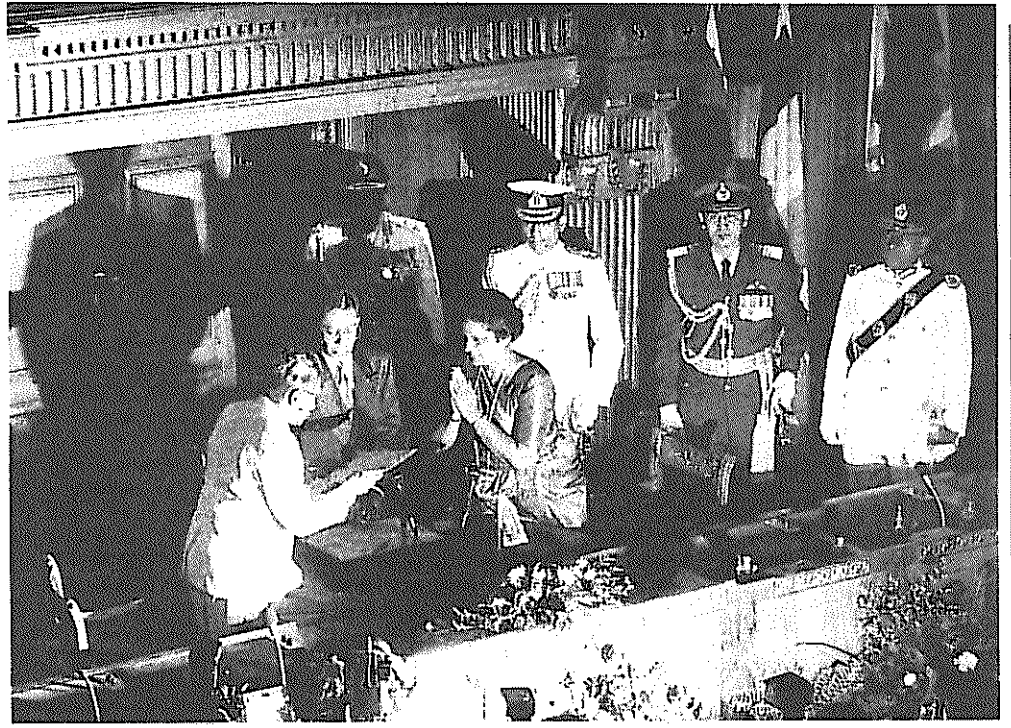
گارفیلد دیویس دبیر کل اتحادیه کارکنان فروشگاه ها و توزیع کنندگان (USDAW) با ۲۹۴۹۵ عضو
الیسون کوی. گری دبیر کل جامعه نویسندگان بریتانیا (WGBB) با ۱۶۹۰۰ عضو

امضای دبیران کل سندیکاهاي رسیده است که در مجموع، بیش از ۴ میلیون نفر از اعضای اتحادیه های سندیکایی بریتانیا را نمایندگی می‌کنند. متن کامل بیانیه به شرح زیر است:

در دفاع از حقوق بشر و حقوق دمکراتیک در ایران
گزارش هایی که اخیراً از ایران رسید، حاکی از وقوع یک سلسله اقدامات اعتراضی جمعی از سوی مردم ایران است. تنها از ژوئن ۱۹۹۴ تا کنون، مردم نقاط مختلف ایران، از جمله نجف آباد (در ماه ژوئن)، قزوین (در روزهای سوم، چهارم و پنجم اوت)، تبریز (در اواسط اوت)، ارومیه (در اواسط اوت) و قائم شهر و گرگان در آخرین روزهای اوت غلبه شرایط سخت و غیر قابل تحمل اقتصادی و اجتماعی دست به اعتراض زده‌اند. همچنین گزارش هایی از یک رشته اعتصابات و سایر اشکال مبارزه کارگری، مانند اعتصاب کارکنان حمل و نقل در ماه آوریل در شیراز و اعتصاب ۱۳۰۰۰ کارگر مجتمع کشت و صنعت کارون در جنوب ایران در ماه اوت نیز رسیده است. کاربرد نیروهای نظامی در مقابله با اعتراضات مسالمت آمیز، در مواردی به کشته شدن شمار سندیکایی‌ها و آزار کشیدن.

رژیم کثرتی با رها نشان داده است که پتانسیل فرم ندارد. این رژیم کماکان هیچگونه قصدی برای فاصله گرفتن از سیاست های مخرب و ضد مردمی اش نشان نمی‌دهد. این عقیده استوار است که تنها با تغییر جهت کامل مشی کثرتی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم و دمکراتیزه کردن همه جنبه های زندگی جامعه است که همه توان ملت ایران می‌تواند فرصتی برای به تحقق پیوستن بیابد.

ما امضا کنندگان معتقدیم بدون اجرای کامل و بی‌سنداری از بیانیته جهانی حقوق بشر در ایران، هیچ گونه اصلاحات بنیادین در کشور قابل تحقق نیست. شکوفایی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آینده ایران، بستگی مستقیم به این تحول



خاتم "کومار تو نگا" رئیس جمهور جدید سریلانکا هنگام ادا سوگند در روز ۲۱ آبان. وی که در دوره نخست وزیری خود گام هایی در جهت مصالحه با شورشیان نامیل برداشت، در مقام جدید خود با مقاومت نظامیان در برابر مشی صلح جوانانه خود مواجه است.

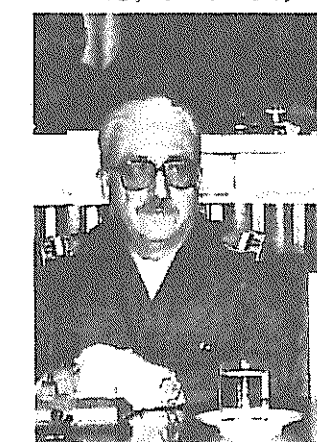
رحمان اف در انتخابات ...

ادامه از صفحه ۱۲

نظامی دارد، به دنبال سفر اخیر رحمان اف به مسکو اعلام کرد که در زمستان امسال نیز مواد غذایی مورد نیاز تاجیکستان را تأمین خواهد کرد. قرار است از سوی روسیه ۷۰۰ هزار تن غله و نیز ماشین آلات کشاورزی به تاجیکستان داده شود. همچنین از سوی روسیه به تاجیکستان وعده کمک مالی داده شده است. مسکو به تاجیکستان قول داده است که سال آینده با خواست این کشور برای پیوستن به حوزه پولی روبل موافقت کند. تاجیکستان واحد پول مستقل ندارد و به تحویل پول نقد از سوی روسیه نیازمند است. این امر باعث شده است که در تاجیکستان کمبود پول نقد ایجاد شود. برخی از مزدبگیران، ماه‌هاست که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

عراق مرزهای کویت را به رسمیت شناخت

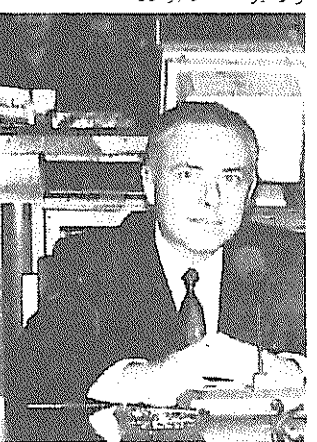
درست خوانند و گفت شورای امنیت سازمان ملل اکنون باید این گام را در نظر بگیرد. دولت روسیه مدتهاست که می‌کوشد با جانبداری از عراق، موقعیت خود به مثابه یک قدرت بزرگ را در خاورمیانه تحکیم کند. با این حال روزنامه ایزوستیا چاپ مسکو روز ۱۹ آبان به نقل از یک مقام وزارت خارجه روسیه نوشت تصمیم در مورد لغو تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق، در نهایت در کاخ سفید واشنگتن اتخاذ می‌شود.



اندره کوزیروف وزیر خارجه روسیه در اجلاس پارلمان عراق، در جریان این اجلاس به رسمیت شناخته شدن مرزهای کویت به تصویب رسید. کوزیروف در کنار طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق نشسته است.

این مصوبات عبارتند از نابودی سلاح‌های جمعی عراق و کنترل درازمدت امور تسلیحاتی این کشور توسط سازمان ملل. عربستان سعودی نیز از تصمیم عراق استقبال کرد. چین نیز مانند روسیه به عنوان عضو دائمی شورای امنیت خواهان تخفیف تحریم‌های عراق گردید. ظرف هفته‌های اخیر بغداد شاهد انفجار سه بمب بوده است. در روز ۲۷ مهرماه، بر اثر انفجار بمبی در نمازخانه وزارت امور مذهبی عراق، یک کارمند دولت کشته شد. در روز ۸ آبان، سه مأمور پلیس و یکی از کارکنان کلیسای در بغداد بر اثر انفجار بمب در نزدیکی این کلیسا به قتل رسیدند. روز شنبه ۲۱ آبان، فردی که به گفته مقامات عراقی حامل یک بمب بود، به علت انفجار این بمب جان خود را از دست داد.

روز ۱۹ آبان عراق مرزهای کویت را به رسمیت شناخت. به دنبال موافقت پارلمان عراق با این تصمیم، شورای فرماندهی انقلاب به ریاست صدام حسین نیز آن را تصویب کرد. بدین ترتیب بغداد یکی از شرایط اصلی سازمان ملل برای تخفیف تحریم‌های بین‌المللی علیه عراق را برآورده کرده است. با این حال یک سخنگوی رئیس جمهور آمریکا گفت تصمیم جدید عراق هنوز دلیلی برای لغو مجازات عراق نیست. این سخنگو گفت شرایط دیگری نیز وجود دارد که صدام حسین باید قبل از اینکه موضوع لغو تحریم‌ها در دستور کار قرار گیرد، آن را برآورده کند.



اندره کوزیروف وزیر خارجه روسیه در اجلاس پارلمان عراق، در جریان این اجلاس به رسمیت شناخته شدن مرزهای کویت به تصویب رسید. کوزیروف در کنار طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق نشسته است.

آندره کوزیروف وزیر خارجه روسیه همزمان با تصمیم گیری بغداد در مورد به رسمیت شناختن کویت، در عراق به سر می‌برد. روسیه و فرانسه اعلام کرده‌اند که می‌خواهند برای تخفیف مجازات عراق از سوی شورای امنیت اقدام کنند، اما این طرح با مقاومت آمریکا و بریتانیا روبرو است. به دنبال اشغال کویت توسط عراق در تابستان ۱۳۶۹، شورای امنیت سازمان ملل عراق را مورد تحریم اقتصادی قرار داد. این تحریم پس از شکست و خروج نیروهای عراقی از کویت در زمستان ۱۳۶۹ نیز به قوت خود باقی ماند. تنها استثناهایی که سازمان ملل قائل شده است، ورود مواد غذایی و دارو به عراق است. وزیر خارجه روسیه تصمیم عراق را گامی بزرگ در جهت

نخستین نتیجه انتخابات آمریکا در عرصه سیاست خارجی، دستور کلینتون به نیروی دریایی ایالات متحده مبنی بر قطع اقدامات کشتی‌های آمریکایی برای تضمین اجرای تحریم تسلیحاتی سازمان ملل علیه طرف‌های جنگ بالکان بود. اکنون در آمریکا در فضایی که پس از پیروزی جمهوریخواهان ایجاد شده است، سخن از دخالت مستقیم این کشور به نفع مسلمانان بوسنی می‌رود. جمهوریخواهان آمریکا به طور سنتی به حمایت از مواضع کشورهای اسلامی مشهورند، و در مورد بوسنی مدتهاست خواهان لغو تحریم تسلیحاتی سازمان ملل علیه دولت بوسنی‌اند.

انتخابات آمریکا از این لحاظ حائز اهمیت است که حزب جمهوریخواه برای نخستین بار پس از ۴۰ سال، در هر دو مجلس کنگره این کشور اکثریت خواهد داشت. در قانون اساسی آمریکا رئیس جمهور در عرصه سیاست خارجی دارای اختیارات گسترده‌ای است اما در سیاست داخلی به همکاری با کنگره نیاز دارد. کلینتون که دو سال پیش با وعده انجام اصلاحات وسیع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایالات متحده به ریاست جمهوری انتخاب شد، نخواهد توانست تا دور بعدی انتخابات ریاست جمهوری که دو سال دیگر برگزار خواهد شد، بخش قابل توجهی از این اصلاحات را به اجرا بگذارد. ناظران پیش‌بینی می‌کنند در نتیجه انتخابات اخیر، کلینتون برای آنکه در مبارزه انتخاباتی سال ۱۹۹۶ بیلانی خالی ارائه ندهد، به همکاری با جمهوریخواهان روی خواهد آورد، و این به معنای گردش به راست در سیاست‌های دولت آمریکاست.

در حالی که جناح راست حزب جمهوریخواه از انتخابات اخیر پیروز بیرون آمد، در حزب دمکرات به ویژه سیاستمدارانی شکست خوردند که مشهور به تمایل به همکاری با جمهوریخواهانند. این روند از سوی ناظران به عنوان تشدید قطب بندی در کنگره ارزیابی می‌شود.

روز جمعه ۲۷ آبان، مأموران پلیس حکومت خودمختار فلسطین در نوار غزه، با شلیک سمت هزاران نفر از هواداران گروه‌های بنیادگرای اسلامی که در برابر مسجد فلسطین در مرکز شهر غزه دست به تظاهرات زده بودند، ده نفر را کشته، بیش از ۱۵۰ تن را مجروح کردند که جراحات برخی از آنها شدید است. درگیری هنگامی آغاز شد که بنیادگرایان، علیرغم اینکه یاسر عرفات رئیس شورای خودمختاری غزه برگزاری تظاهرات را ممنوع کرده بود، پس از نماز جمعه در برابر مسجد گرد آمدند. وقتی افراد پلیس در صدد برآمدند بلند گویایی را ت-

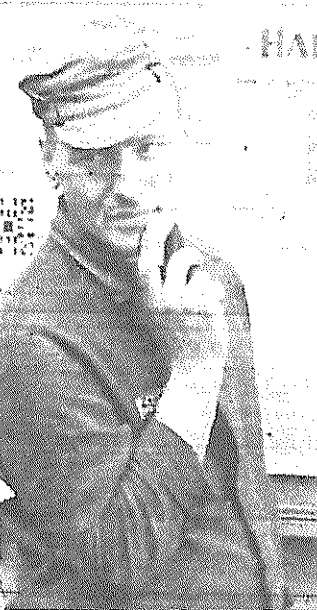
جمهوریخواه سنا نتیجه انتخابات آمریکا را رأی عدم اعتماد به کلینتون نامید، اما تأکید کرد که با رئیس جمهور همکاری خواهد کرد. برخی دیگر از سنا تورهای جمهوریخواه، مانند سنا تور گرام از تگزاس که او نیز مانند دول بی‌تمایل به کاندید شدن برای ریاست جمهوری نیست، موضع نه‌چشمی تری گرفتند و اعلام کردند که خواهند کوشید قوانین مورد نظر حزب خود را به کرسی بنشانند. این لویج، در یک سند انتخاباتی که دو ماه پیش از انتخابات اخیر به امضای ۳۰۰ نفر از نامزدهای انتخاباتی حزب جمهوریخواه رسید، گنجانده شده‌اند. گینگریچ رئیس جدید مجلس نمایندگان آمریکا از حزب جمهوریخواه، از یک سو برای همکاری با رئیس جمهور اعلام آمادگی کرد و از سوی دیگر گفت اگر کلینتون بخواهد مانع تصویب قوانین مورد نظر جمهوریخواهان شود، کار آحمقانه‌ای خواهد کرد. گینگریچ در مصاحبه‌ای که روز ۱۹ آبان در روزنامه واشنگتن پست چاپ شد، به دو وجه اصلی تناسب جدید قوا اشاره کرد: کنترل هرگونه انتصاب افراد به مقامات مهم حکومتی از سوی سنا و کنترل اختصاص هرگونه بودجه دولتی توسط مجلس نمایندگان. گینگریچ، رئیس جمهور آمریکا و همسرش را محصول فرهنگ مخالف مک‌گاورنی در دهه نصد نامید و گفت کلینتون و همسرش را در کاخ سفید، یک گروه از اشرافی‌های چپ احاطه کرده‌اند. مک‌گاورن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۷۲ از نیکسون شکست خورد. بعداً نیکسون که از حزب جمهوریخواه بود، به علت رسوایی واترگیت جای خود را به معاونش جرال د فورد داد.



دو تن از نمایان تاجیک در برابر یکی از تابلوهای انتخاباتی

اینکه رحمان اف در نامه‌ای به یلتسین رئیس جمهور روسیه از این کشور برای اعزام ناظران عوت کرده بود، نمایندگان دولت روسیه به جای اینکه از حوزه‌های رأی گیری دیدن کنند، با اتوبوس در مناطق کوهستانی تاجیکستان گردانده شدند. روسیه که در تاجیکستان نیروی ادامه در صفحه ۱۱

این سوال که آیا اگر ادامه زمامداری خودوی به رأی گذاشته شده بود، شکست می‌خورد، گفت: نمی‌دانم. رئیس جمهور آمریکا قول داد بدون دست کشیدن از معتقدات خود هر آنچه در توان دارد برای همکاری با کنگره انجام دهد. کلینتون درس‌هایی را که از انتخابات گرفته است چنین برشمرد: دستگاه کوچکتر دولت و دخالت کمتر آن در امور، حکومتی با بازده کاری بالا، صرفه جویی در هزینه‌های اداری و کاهش کشمکش‌های حزبی. گینگریچ رئیس جدید مجلس نمایندگان آمریکا از حزب جمهوریخواه، از یک سو برای همکاری با رئیس جمهور اعلام آمادگی کرد و از سوی دیگر گفت اگر کلینتون بخواهد مانع تصویب قوانین مورد نظر جمهوریخواهان شود، کار آحمقانه‌ای خواهد کرد. گینگریچ در مصاحبه‌ای که روز ۱۹ آبان در روزنامه واشنگتن پست چاپ شد، به دو وجه اصلی تناسب جدید قوا اشاره کرد: کنترل هرگونه انتصاب افراد به مقامات مهم حکومتی از سوی سنا و کنترل اختصاص هرگونه بودجه دولتی توسط مجلس نمایندگان. گینگریچ، رئیس جمهور آمریکا و همسرش را محصول فرهنگ مخالف مک‌گاورنی در دهه نصد نامید و گفت کلینتون و همسرش را در کاخ سفید، یک گروه از اشرافی‌های چپ احاطه کرده‌اند. مک‌گاورن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۷۲ از نیکسون شکست خورد. بعداً نیکسون که از حزب جمهوریخواه بود، به علت رسوایی واترگیت جای خود را به معاونش جرال د فورد داد.

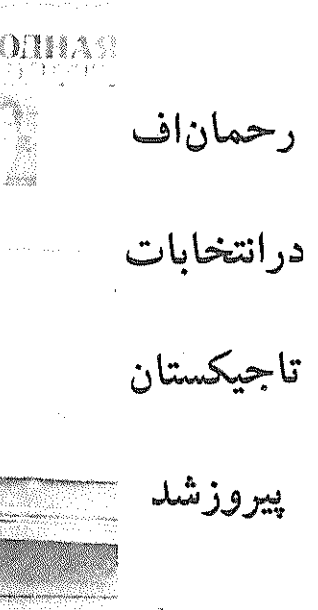


دو تن از نمایان تاجیک در برابر یکی از تابلوهای انتخاباتی

روسیه تنها کشوری بود که بازرسانی برای نظارت بر انتخابات ۱۵ آبان تاجیکستان فرستاد. سازمان‌های بین‌المللی، با این استدلال که قانون انتخابات تاجیکستان، برگزاری دمکراتیک آن را تضمین نمی‌کند، از اعزام ناظر خودداری کردند. فرستادگان روسیه نیز فرصتی برای نظارت بر انتخابات تاجیکستان نیافتند. با

در انتخابات ۱۷ آبان کنگره و فرمانداران ایالات آمریکا، حزب دست راستی جمهوریخواه بر حزب دمکرات کلینتون رئیس جمهور این کشور پیروز شد. در مجلس سنا جدید آمریکا، جمهوریخواهان ۵۳ کرسی و دمکرات‌ها ۴۷ کرسی دارند. در مجلس نمایندگان نیز که در آن دمکرات‌ها از ده‌ها سال پیش اکثریت داشتند، جمهوریخواهان ۲۳۰ کرسی به دست آوردند در انتخابات اخیر آمریکا، بسیاری از چهره‌های برجسته حزب دمکرات شکست خوردند، از آن جمله تام فولی رئیس مجلس نمایندگان که از ۳۰ سال پیش عضوی مجلس بود، و ماریو کوئمو فرماندار ایالت نیویورک.

بیل کلینتون در نخستین واکنش خود در قبال شکست سخت حزبی در انتخابات، طی یک کنفرانس مطبوعاتی شخصاً بخشی از مسئولیت این شکست را به عهده گرفت. وی در پاسخ به این سوال که آیا نتیجه انتخابات به منزله فرمان دوم در مورد اقدامات وی از هنگام روی کار آمدن تاکنون بوده است، پاسخ داد که رأی دهندگان آمریکایی با انتخاب خود، از دولت، کنگره و سیاست‌های حزبی واشنگتن ابراز نارضایتی عمومی کرده‌اند. کلینتون افزود که با این حال می‌داند که بخشی از مسئولیت این شکست بر عهده او است. رئیس جمهور آمریکا چنین ابراز عقیده کرد که مردم آمریکا نه بازگشت به سیاست‌های دهه هشتاد، بلکه تحولات بنیادین بیشتر و سریع‌تری را خواهند خواستند. کلینتون گفت که نتوانسته است اکثریت مردم را متقاعد کند که سیاست اصلاحات وی به موفقیت‌هایی انجامیده است. رئیس جمهور ایالات متحده در پاسخ به



دو تن از نمایان تاجیک در برابر یکی از تابلوهای انتخاباتی

امامعلی رحمان اف رئیس جمهور تاجیکستان در انتخابات این کشور با به دست آوردن حدود ۶۰ درصد آرا در مقام خود ابقا شد. همزمان با انتخابات، رأی دهندگان تاجیک در یک همه‌پرسی به طرح قانون اساسی پیشنهادی رحمان اف که به رئیس جمهور اختیارات وسیع‌تری می‌دهد، صحنه گذاردند.

درگیری خونین در غزه

نیروهای انتظامی فلسطینی در نوار غزه واریحا بوده است. به گزارش شاهدان عینی، تظاهرکنندگان که اکثر آنها را جوانان تشکیل می‌دادند، نخست به افراد پلیس که در اطراف ساختمان مسجد موضع گرفته بودند، حمله ور شدند. پلیس دروازه‌کش در برابر این حمله، نخست به گاز اشک‌آور و سپس به اسلحه گرم متوسل شد. همین گزارش‌ها حاکی است افراد حماس نیز پس از تیراندازی از سوی پلیس، به سوی نیروهای انتظامی شلیک کردند. گروه فلسطینی بنیادگرای جهاد ادامه در صفحه ۱۱

برای تظاهرات بر روی یک کامیون نصب شده بود بردارند، تظاهرکنندگان با سنگ، چوب و بطری به پلیس حمله کردند. پاسخ پلیس، تیراندازی به سوی جمعیت بود. تظاهرکنندگان، دو اتومبیل پلیس و یک کامیون ارتشی را آتش زدند. به دنبال این حادثه، حکومت خودمختار در مرکز شهر غزه مقررات ممنوعه را اعلام کرد و یاسر عرفات، یک اجلاس اضطراری شورای امنیت فلسطین را فراخواند. حادثه ۲۷ آبان، شدیدترین درگیری بین پلیس فلسطین و بنیادگرایان از هنگام استقرار

رحمان اف
در انتخابات
تاجیکستان
پیروز شد